

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهر یور برویم!
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

بازنشر: اعلامیه حزب حکمتیست

علیه قتل عمد مهسا و زن کشی بپاخیزیم!
حجاب ها را آگاهانه دور بیاندازیم!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

استثمار و فشار امنیتی علیه زنان کارگر مجتمع کروز
کارخانه پادگان نیست!

گزارشی کوتاه از حواشی نشست علیه جنگ در شهر هاناو!

حمایت بین المللی از مبارزات انقلابی و طبقه کارگر در ایران!

صفحه ۷

امیر عسگری

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

مطالبی در باره سازمان زحمتکشان و جنایت در اردوگاه آنان

منصور حکمت، رحمان حسین زاده، همایون گدازگر، عبدالله دارابی، نادر شریفی، سیاوش دانشور

علیه اعدام و سرکوب

روز ۲۴ ژوئن در کشورهای مختلف با ابتکار کمونیست ها و چپ ها اجتماعات و میتینگ هائی در کشورهای مختلف علیه اعدام برگزار شد. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست فعالانه در سازماندهی و شرکت در این اجتماعات شرکت داشت. این هفته نیز اجتماعاتی علیه حکومت اعدام برگزار میشود. تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور را به حضور فعال در این اعتراضات فرامیخواند!

لایحه برنامه هفتم توسعه
هجوم بربرهای اسلامی سرمایه به
زندگی کارگران

"لایحه برنامه هفتم توسعه" دولت رئیسی توسط سازمان برنامه و بودجه تنظیم و به مجلس برای تصویب نهایی رفته است. "برنامه هفتم توسعه" برای سالهای ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ تدوین شده و شامل ۲۲ فصل و ۷ بخش اصلی است که باصطلاح برنامه اقتصادی حکومت را در یکدوره پنج ساله تدوین کرده است.

باید از ابتدا تاکید کرد که عمر حکومت به اجرای این برنامه نخواهد رسید و اتفاقاً این برنامه قبل از اینکه اقتصادی باشد، سیاسی است. سیاستی برای زمین گیر کردن طبقه کارگر اعم از شاغل و بازنشسته و خانواده های کارگری و در غم نان شب نگاهداشتن دهها میلیون نفر. در رژیم اسلامی سوال برسر برنامه ها و خط مشی های اقتصادی و جدال مکاتب اقتصادی برای اداره سرمایه داری ایران نیست، اگرچه این حکومت علیرغم "مرگ بر آمریکا و استکبار جهانی" گفتنش جزو ثابت قدم ترین نوکران بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و از هارترین رژیم های ضد کارگری با طیف وسیعی از اقتصاددانان بازار آزادی در حلقه های مختلف و معرفی است. جمهوری اسلامی چون میخواهد یک "جمهوری اسلامی" بماند و همزمان به تعرض لجام صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

لایحه برنامه هفتم توسعه

هجوم بربرهای اسلامی سرمایه به زندگی کارگران...

گسیخته به کارگر و حقوق اش حمله ور شود، برنامه های توسعه اش از دوره رفسنجانی تاکنون کپی نسخه های بانک جهانی اما به روش چینی بوده است.

"طرح هفتم توسعه" که اخیراً منتشر شده مفاد مختلفی دارد که اولاً، آخرین خاکریزهای باقیمانده قانون کار ارتجاعی خود حکومت را پشت سر میگذارد. ثانیاً، دستمزدها را مرتباً کاهش میدهد و نظام دستمزدی را از هر چهارچوب تاکنونی خلاص میکند. دستمزد مصوب شورای کارفرمایی عالی کار که سه برابر زیر خط فقر رسمی است و دستمزد شاغلین در سه سال اول را به نصف همین مبلغ ناچیز کاهش میدهد. ثالثاً، کارفرمایان را به برده داران آتش به اختیاری ارتقا میدهد که هر طور مایلند عمل کنند. مثلاً یکجانبه قرارداد کار را لغو می کنند و اخراج به هر دلیلی حق کارفرما است. هر زمان کارفرما احساس کند کارگر از اوامر خدای سرمایه سر باز زده است اخراج میشود، اعتراض و اعتصاب با اخراج روبرو میشود و کارگر طبق قانون حق هیچ شکایتی ندارد. یک نمونه این اقدام اخراج اعتصابیون در شرکتهای مختلف ماشین سازی و نفت و گاز و معادن در دوره اخیر است. رابعاً، بخشی از نیروی کار را تحت عنوان کاتاگوری های مختلف به سوپر برده بدل میکند و با پرداخت دستمزد نصف و نیمه و کمتر، بدون بیمه و مزایا، مجموعاً سطح دستمزدها را کاهش میدهد. قانون کار و تعیین دستمزد کنونی براساس نرخ تورم و هزینه خانواده کارگری که در بهترین حالت فقر مطلق است نیز عملاً لغو میشود. اوضاع در مناطق آزاد تجاری و کارگاه های کوچک بسیار وخیم تر خواهد شد. جمهوری اسلامی برای بقای خویش به یک تهاجم همه جانبه و گسترده توسل جسته و استراتژی یک برده داری تمام عیار را برای تامین سود سرمایه طراحی کرده است.

این برنامه از "ایجاد اشتغال" و "امنیت شغلی" و "توسعه اقتصادی" سخن میگوید اما به بیکاری و بیگاری و کار مفت و بردگی مطلق متکی است و در پی احیای روشهای باستان در لباسی جدید است. "برنامه هفتم" در تداوم برنامه های قبلی اگر سیوتر علیه کارگران حمله میکند و با دلی باز به کارفرمایان سرویس میدهد. هرچه صفات لازم برای پنهان کردن کنه ارتجاعی و ضد کارگری طرح لازمست استفاده شده است تا کارفرمایان و سرمایه داران و بقول آنها "کارآفرینان" انگیزه پیدا کنند و بردگان مفت و مجانی را به کار وادارند.

در اطلاعیه حزب در هفته گذشته به سطوحی از جمله؛ تجمیع و مصادره صندوق های بازنشستگی و بالا کشیدن آنها توسط دولت و ندادن قرض های کنونی، دورخیز برای مصادره بانک رفاه کارگران، افزایش هشت ساله و شش ساله سن بازنشستگی، دستکاری در سنوات و حقوق بازنشستگی، افزایش بیمه کارگران و کاهش بیمه سرمایه داران و تاراج صندوق های بازنشستگی اشاره شده است. تهاجمی که در تاریخ ایران و در دوره های مختلف بیسابقه است. این برنامه رسماً

بازنشستگان را دور میاندازد و اندوخته شان را مانند راهزنان می رباید. کارگران را به برده مطلق و بیحقوق بدل میکند و فقرا را فقیرتر و سرمایه داران را فربه تر میکند. قراردادهای کار را تماماً ناامن و هر نوع امنیت شغلی را از دور خارج میکند.



در کنار اینها اموال کارگران و کارخانجات و مجموعه شرکتهای زیر مجموعه تامین اجتماعی و مجموعه های دیگر را تماماً به بخش خصوصی یعنی پسرخاله ها و پسرعموهای حکومتی مفت و مجانی تحت عنوان "مولد سازی" تقدیم میکند و چوب حراج به دارائی و اموالی میزند که دولت اساساً حقی بر آنها ندارد. این برنامه در پاسخ به اعتراضات مستمر بخشهای مختلف کارگری برای قراردادهای کار، رتبه بندی، امنیت شغلی، همسان سازی و افزایش دستمزدها، یکجا بچه را با جایش دور می اندازد و تتمه هر قانون صوری حمایتی موجود را ملغی میکند. این لایحه در خدمت تامین نیازهای دولت و تامین کسر بودجه وزارتخانه ها و سود سرمایه داران و یک دور جدید تهاجمی باصطلاح "خصوصی سازی" است که نمونه آن در کمتر کشوری به این وسعت پیش برده شده است. این برنامه بدستور و تأیید خامنه ای و گماشته اش رئیسی قصاب اجرا میشود و پیامش در دوره انقلابی به نهادهای مالی جهانی و خنجرش به کمر و قلب کارگران و بازنشستگان است. اجرای چنین برنامه هایی با این سطح توحش و حمله بی پرده و هار معمولاً بعد از سرکوبهای خونین و کودتاها، بعنوان مثال در شیلی، قابل مقایسه است اما در ایران در متن یکدوره انقلابی در دستور قرار گرفته است. این برنامه در عین حال پیامی به دولتها و سازمانهای جهانی سرمایه است که از جمهوری اسلامی نگهبان بهتری برای سرمایه داری ایران وجود ندارد.

این تعرض اقتصادی و سیاسی اگر موفق شود، طبقه کارگر ایران با وضعیت بسیار فجیعی روبرو خواهد شد و مدتها طول خواهد کشید که بتواند کمر راست کند. این تعرض اقتصادی اهداف سیاسی مشخصی را در جنگ بقای حکومت اسلامی دنبال میکند و خط مشی اقتصادی تعیین شده قرار است جوابگوی نیازهای سیاسی روز سرمایه و حکومتش در ایران باشد. این برنامه دورنمای فقر و فلاکت اقتصادی را بسیار تیره و تارتر از آنچه هست خواهد کرد و سرکوب و توحش و بردگی را به سطح غیرقابل باوری ارتقا خواهد داد. لذا از همینجا خطوط نبرد اصلی طبقاتی بیش از پیش روشن تر میشود: جنگ برسر نان و آزادی و رفاه، جنگ برسر نفی اسلام و قوانین ضد زن و ضد جامعه، به جنگ علیه کلیت سرمایه داری ارتقا می یابد. این برنامه در عین حال برنامه مشترک کل بورژوازی ایران برای بازسازی سرمایه داری است. لذا هدف سرنگونی فوری و انقلابی رژیم اسلامی با هدف نابودی سرمایه داری و نمایندگان متفرقه و هار آن بیش از پیش الزامی میشود. اعتراض توده ای با اعتصاب کارگری و نفی قدرت طبقه سرمایه دار در تمام سطوح گره میخورد و آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی بمثابه تنها راه نجات جامعه ایران بیش از هر زمان به صدر رانده میشود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر حضور قدرتمند

لایحه برنامه هفتم توسعه

هجوم بربرهای اسلامی سرمایه به زندگی کارگران...

اعتراضی و اعتصابی طبقه کارگر و سازماندهی یک جدال همه جانبه علیه رژیم نکتت بار اسلامی سرمایه تاکید میکند. جبهه های اصلی نبرد طبقاتی روشن است. این برنامه و حکومت آدمکش اسلامی حافظ سرمایه را باید به گورستان تاریخ فرستاد.

سردبیر

۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران، بازنشستگان علیه تهاجم ضد کارگری دولت بیاخیزیم!

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم اسلامی

با ارائه متن نهایی تنظیم شده برنامه هفتم توسعه رژیم جمهوری اسلامی به مجلس، برنامه‌های اقتصادی دولت رئیسی برای سال‌های اخیر روشن شده و در میان همه موارد آن بیشتر از هر چیزی، تعرض و هجوم همه جانبه آن به حقوق بازنشستگان و شاغلان از طریق فصل پنجم این برنامه بیش از پیش به چشم می‌آید. در این فصل که در رابطه با سیاست‌گذاری‌های مربوط به سن و سابقه بازنشستگی و صندوق‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی تنظیم شده، رفته رفته بخش زیادی از حقوقی که پس از سال‌ها مبارزات جامعه در تاریخ معاصر دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی مجبور به اعطای آن به طبقه کارگر و کل جامعه شدند، پس گرفته شده است.

موارد مورد هجوم قرار گرفته که عامل تضییع حقوق بازنشستگان و شاغلان ایران محسوب می‌شود، به شرح زیر است:

تجمیع و مصادره دولتی صندوق‌ها

۱- اقدام به تجمیع و ادغام تمام صندوق‌های بازنشستگی از تامین اجتماعی (صندوق کارگران بخش خصوصی) و صندوق بازنشستگان کشوری (صندوق کارگران و کارمندان دولت) و صندوق‌های خاص دیگر کارگران (صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و کشاورزان، صندوق کارگران فولاد، صندوق کارگران نفت و...) و حتی صندوق نیروهای مسلح در یک صندوق واحد زیر نظر دولت جمع می‌شوند. به این ترتیب صندوق تامین اجتماعی که بزرگترین صندوق بازنشستگی کشور محسوب شده و از اموال تشکیل شده از کار کارگران بخش خصوصی است، همه با اموال مایملک آن به دولت واگذار می‌شود. دولت مالک این صندوق نیست و همه شرکت‌ها و خود این صندوق متعلق به کارگران است و صندوق درحالی دولتی می‌شود که خود دولت به صندوق بدهکار است. بدهی دولت به این صندوق‌ها که حاصل

تحویل سخت‌ترین تعهدها به این صندوق‌ها و استقراض غیرقانونی از طریق عدم تسویه تعهدات دولت است، بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و هنوز تسویه نشده است.

افزایش سن بازنشستگی

۲- سن بازنشستگی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی به افراطی‌ترین شکل ممکن در راستای اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری آن هم با تبعیض در حق زنان کارگر افزایش یافته است. حداقل سن بازنشستگی مردان در طی یک برنامه زمان‌بندی شده قرار است از ۵۰ سال به ۵۶ سال افزایش یابد. این درحالی است که سن بازنشستگی زنان که همواره ۵ سال از مردان کمتر بوده، از ۴۵ سال به ۵۳ سال افزایش یافته که با این حساب سن بازنشستگی مردان شش سال و سن بازنشستگی زنان هشت سال افزایش یافته است. در مشاغل و فعالیت‌هایی که کارگران آن جزء مشاغل سخت و زیان‌آور حساب می‌شوند، سن بازنشستگی از ۴۵ سال برای مردان به ۵۰ سال و از ۴۰ سال برای زنان به ۴۵ سال افزایش پنج‌ساله پیش‌بینی شده است. به این ترتیب یکی از دست راستی‌ترین اصلاحات بازنشستگی که در کشورهای سرمایه‌داری مرکز هم بی‌سابقه است، در این برنامه ۵ ساله اجرا خواهد شد. این درحالی است که ادعای دولت سرمایه‌داری این است که سن بازنشستگی به دلیل رشد بدهی‌ها باید افزایش یابد؛ بدهی‌هایی که دولت خود به اعتراف کارشناسان خودش، عامل اصلی ایجاد آن است!

افزایش سهم بیمه کارگران

۳- درحالی که در بخش مالیات‌ها و بیمه بیشترین معافیت و بخشش مالیاتی و بخشش پرداخت بیمه برای کافرمايان (به اسم حمایت از تولید) صورت گرفته و از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی برای رفاه حال طبقه سرمایه‌دار واردات خودرو را در همین برنامه آزاد کرده است، بیشترین فشار در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از جیب طبقه کارگر پرداخت می‌شود. در مشاغل با حداقل دستمزد، سهم کارگران از پرداخت حق بیمه یک درصد افزایش و سهم دولت یک درصد کاهش یافته است. در مشاغلی که کارگران با حقوق بالای حداقل کار می‌کنند، سهم حق بیمه کارگران از ۷ درصد به ۹ درصد افزایش یافته و سهم کارفرمایان و دولت هرکدام یک درصد کاهش یافته است. به این ترتیب کارگران باز هم برای بازنشست شدن باید سهم بیشتری را از دستمزد خود پرداخت کنند. همچنین کارفرمایان از تعهد بیمه کلیه کارگرانی که می‌خواهند بیش از ۳۰ سال کار کنند، معاف شده و مطابق با بند (ز) فصل پنج این برنامه، افرادی که می‌خواهند تا ۳۵ سال کار کنند، خود باید بدون تعهد کارفرما خود را بیمه کنند.

دستکاری در سابقه کار و سنوات

۴- در بند (ژ) برنامه توسعه دولت جمهوری اسلامی، ملاک پرداخت حقوق بازنشستگی به جای دو سال آخر حقوق دوران اشتغال، میانگین ۵ سال آخر حقوق تعیین شده است. با این حربه زیرکانه بورژوازی، عملاً صندوق‌های بازنشستگی تنها متعهد به پرداخت ارزش ریالی پنج سال آخر آن هم به صورت میانگین حقوق می‌شوند. به این ترتیب، با وجود تورم فزاینده و افت شدید ارزش پول ایران، کارگران با میانگین حقوق بسیار کمتری بازنشست می‌شوند. به این ترتیب ارزش حقوق بازنشستگان جدید شاید نصف دوره‌های قبل خود شود.

کارگران، بازنشستگان علیہ تہاجم ضد کارگری دولت بپاخیزیم!**در بارہ برنامه ہفتم توسعہ رژیم اسلامی ...****دور جدید خصوصی سازی ها**

۵- ہمہ صندوق‌های بازنشستگی و خود سازمان تامین اجتماعی در ازای بخش اندکی از بدهی دولت به آن‌ها، از دولت شرکت‌های (معمولاً زیان‌ده) دولتی دریافت کردند. این شرکت‌های زیرمجموعہ صندوق‌ها مانند شرکت دخانیات، کل مجموعہ عظیم شستا، مجموعہ شرکت‌های صبا و صدہا شرکت و کارخانہ دیگر متعلق بہ صندوق‌ها هستند. دولت در این برنامه قرار است بہ بہانہ جلوگیری از فساد، کلیہ این شرکت‌ها را در بورس فروختہ و خصوصی‌سازی کند و تنها سود سهام دولت از این شرکت‌ها (کہ قرار است ۸۰ درصد آن‌ها مدیران خصوصی داشته باشند) بہ صندوق‌های بازنشستگی دادہ شود. این درحالی است کہ با حساب این بندہا، رسماً مجوز خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران بہ عنوان سرمایہ شکل گرفتہ کارگران ایران کہ از اموال طبقہ کارگر است، صادر شدہ است.

این حملہ ہمہ جانبہ بہ حقوق بازنشستگان و کارگران شاغل (کہ بازنشستگان فردا هستند) عملاً یکی از بزرگترین تہاجم‌ها بہ حقوق طبقہ کارگر و جامعہ پس از تحولات بزرگی مثل اصلاحات ارضی محسوب می‌شود. تہاجمی کہ بہ جای مقاومت منفعلانہ، تعرض بی‌امان طبقہ کارگر و جامعہ را بہ اہداف و مقاصد دولت سرمایہ داری جمهوری اسلامی می‌طلبد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست طبقہ کارگر در بخشهای مختلف را بہ یک مقابلہ قدرتمند علیہ روند جاری و ابطال طرح توسعہ ہفتم فرامیخواند. این حق بدیہی کارگران است کہ توسط نمایندگان منتخب شان بر صندوق‌های کارگری و بیمہ و بازنشستگی و امور خود کنترل و نظارت داشتہ باشند. این اموال مال دولت نیست و دولت حق ندارد بہ آنها دست بزند. طرح کنونی، برنامه ہفتم توسعہ رژیم و فروش اموال جامعہ توسط دولت بہ بخش باصطلاح خصوصی کہ عمدتاً همان حکومتی‌ها در قالب شرکت‌های خصوصی اند، تحت عنوان "مولد سازی"، یکی از گسترده ترین حملات بہ سطح معیشت طبقہ کارگر در متن یکدورہ انقلابی است.

کارگران ہنوز برسر دستمزدهای سال جاری در کشمکش اند کہ دور جدیدی از تعرض بہ سفرہ خالی و سطح معیشت آنها شروع شدہ است. این طرح ضد کارگری را باید توی صورت نویسندگانش کوبید. کارگران، بازنشستگان، علیہ تہاجم ہمہ جانبہ دولت مرتجع اسلامی بپاخیزیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲ تیر ۱۴۰۲ - ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

استثمار و فشار امنیتی علیہ زنان کارگر مجتمع کروڑ**کارخانہ پادگان نیست!****گزارش دریافتی،**

کارگران زن در شرکت قطعہ سازی خودروی کروڑ تحت شدیدترین تدابیر امنیتی با دستمزد نازل مورد استثمار مضاعف قرار می‌گیرند. این مجموعہ کہ بیش از ۱۰ ہزار کارگر دارد، در چندین سایت خود شدیدترین تدابیر امنیتی را اجرا می‌کند تا خبری از این جہنم برای نیروی کار دیدہ نشود.

از قراردادهای یک ماہہ تا سہ ماہہ تا ترساندن کارگران از شکایت برای رد نکردن سختی کار و بیمہ مشاغل سخت و زیان آور، ہمہ و ہمہ در شرایطی اعمال می‌شود کہ مدیران دو تابعیتی این شرکت خود را وابستہ بہ نهادہای نظامی و بنیادہای حکومتی می‌خوانند تا نیروی کار را از شکایت و پیگیری از حقوق خود منصرف کنند.

قراردادہای بسیار کوتاہ مدت اہرمی برای جلوگیری از اعتراض کارگران شدہ و روابط عمومی این شرکت بہ‌عنوان بخشی از بازوی سرکوب، علاوہ بر معرفی و عکس برداری از چہرہ رہبران کارگران معترض در تجمعات پاییز سال گذشتہ کروڑ و اخراج جمعی از کارگران معترض بہ وضعیت شغلی، علیہ ہر رسانہ‌ای کہ خبر انتقادی در داخل دربارہ آنان منتشر می‌کنند، شکایت می‌کند.

وضعیت کار در کروڑ بہ نحوی است کہ بسیاری از کارگران زن بہ دلیل کار ایستادہ‌ای کہ با ہزینہ اندک صندلی مناسب می‌توان از فشار آن جلوگیری کرد، بہ مشکلات بدنی متفاوتی دچار شدند.

شرایط کروڑ بہ حدی امنیتی است کہ کارگران حق آوردن تلفن ہمراہ را بہ داخل کارخانہ ندارند و ہر نوع اعتراض بہ تعویق پرداخت مزد، بی‌عدالتی مزدی، سختی کار و وضعیت قراردادہا نیز در این وضعیت سانسور خواہد شد.

در شرایطی قوانین خود جمهوری اسلامی بر حق مرخصی زایمان و حق تشکیل خانوادہ تاکید دارد، ساعات اضافہ کار اجباری و شرایط امنیتی باعث شدہ تا بسیاری از کارگران زنی کہ حاملہ می‌شوند یا ازدواج می‌کنند، از این شرکت اخراج شدہ و بالا بودن شدید نرخ بیکاری زنان در ایران موجب شدہ شرکت از ہیچ نوع برخورد غیرانسانی و خشن و اخراج و سرکوبی بہ ہر بہانہ‌ای ترسی بہ خود راہ نندہد.

۴ تیر ۱۴۰۲

نہ بہ حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!



فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه میدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود
مستقیم و مستمر کارگران است!
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!**

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح ببار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپاخاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

بازنشر: اعلامیه حزب حکمتیست

علیه قتل عمد مهسا و زن کشی بپایزیم!

حجاب ها را آگاهانه دور بیاندازیم

امروز جمعه ۲۵ شهریور، بدنبال درگذشت مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در اعتراض به قتل مهسا امینی در اطراف بیمارستان کسرا و خیابان آرژانتین در تهران دست به تجمع زدند. زنان علیه خشونت حکومتی و اوباش گشت ارشاد سخنرانی کردند و مورد هجوم نیروهای امنیتی قرار گرفتند و تعدادی نیز دستگیر شدند. اما زنان و مردان آزادیخواه وقعی نگذاشتند و با راهپیمایی علیه حکومت ضد زن شعار میدادند: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای"، "بنام دین و قانون حلال شده خونمون".

قتل مهسا در فاصله دو ساعت در بازداشتگاه وزرا و صحنه سازی های حکومتی و یا اشک تمساح امثال محمد خاتمی و ابواب جمعی حکومت را کسی قبول نمیکند. حکومت اسلامی آدمکش ترین و ضد زن ترین حکومت جهان است. مهسای ۲۲ ساله یکی از دهها میلیون زنی است که طوق بردگی حجاب نمی خواهند، حکومت آپارتاید نمی خواهند و از اسلام و آخوند و ترهات آنها بیزارند.

مردم، زنان و مردان آزادیخواه!

این حقارت جمعی را نپذیریم. سکوت در مقابل جنایت دست جنایتکاران را بازتر و آنها را هارتر می کند. وحوش ضد زن را باید مهار کرد. دست متجاوزین را باید از سر زنان کوتاه کرد. آخوندهای زبان دراز و مفتخور و طفیلی را باید سرجایشان نشانند. نگذاریم که زنی دیگر به قتل برسد. شکنجه و خرد کردن جمجمه و قتل عمد مهسا یعنی هیچ زنی امنیت ندارد، اوباش خامنه ای غلط میکنند فرزند مردم را با زور ببرند و بقتل برسانند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده مهسا و همه مردمی که از این جنایت هولناک شوکه هستند، دعوت به اعتراض عمومی میکند. حزب به مردم فهیم تهران که امروز جرقه اعتراضات را زدند درود میفرستد. در تهران و همه شهرها از جمله در شهرهای کردستان علیه زن کشی و قتل عمد مهساها اعتراض کنیم.



حزب کمونیست کارگری- حکمتیست زنان آزادیخواه را دعوت میکند که آگاهانه و عامدانه حجاب برگیرند و بدون حجاب در اعتراضات شرکت کنند. باید توی دهن خامنه ای و کسانی زد که دستور قتل فرزندان مردم را میدهند. علیه زن کشی و تجاوز و تعدی اسلاميون به زنان، علیه قاتلین زنان و حکومت نکبت اسلامی شان بپایزیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۵ شهریور ۱۴۰۱ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



گزارشی کوتاه از حواشی نشست علیه جنگ در شهر هاناو! حمایت بین المللی از مبارزات انقلابی و طبقه کارگر در ایران!

امیر عسگری



حد حرف ماند بلکه زمان آن است تا جلوی هرگونه معامله با جمهوری اسلامی از سوی اروپا را گرفت. وی همچنین افزود در ایران موقعیتی ایجاد شده که به رهبری زنان و

روزهای جمعه ۲۳ و شنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ به دعوت سندیکای IG-Metal و DIE LINKE حزب چپ آلمان و با حمایت مالی بنیاد رزا لوکزامبورگ در شهر هاناو آلمان نشستی دو روزه برگزار شد. در این نشست نمایندگان و فعالین و رهبران سندیکاهای کارگری از مراکز مختلف آلمان، والنیتینا اورازینی از رهبریت سندیکای کارگران آهن ایتالیا، جرمی کوربین نماینده پارلمان انگلیس از حزب کارگر، کادرهای رهبری حزب چپ آلمان و نمایندگان و فعالین این حزب و همچنین کادرهای حزب حکمتیست فاطمه عسگری و امیر عسگری حضور و در بحث‌ها مشارکت داشتند.

طبقه کارگر به سمت تغییر بنیادی سیستم حاکم سرمایه داری میرویم، کاری که ما تلاش کردیم ولی تاکنون در اروپا موفق به انجام آن نشده ایم. در ادامه برنامه در مصاحبه اختصاصی انجام گرفته از سوی برنامه چالش در تلویزیون پرتو (رسانه تصویری حزب حکمتیست) با اوزلم دمیرل به لزوم حمایت همه جانبه از خیزش و دوره انقلابی در ایران تاکید کرده و به نقش زنان و حرکت پیشرو و عصیان جامعه و در دل آن نقش رهبری زنان و طبقه کارگر در برابر آپارتاید دینی اشاره کرده و بار دیگر بعنوان نماینده پارلمان خود را موظف به جلوگیری هرگونه معامله با جمهوری اسلامی دانست.

در روز اول این نشست فعالین کارگری و سندیکایی آلمان به نتایج مخرب جنگ امپریالیستی با مواضع مختلف به بحث و گفتگو پرداختند. در روز دوم نشست سخنرانی و جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد که در آن؛ "جنین وسلر" از رهبریت حزب چپ آلمان، "اوزلم دمیرل" نماینده پارلمان اروپا از حزب چپ آلمان، "والنیتینا اورازینی" از رهبریت سندیکای آهن ایتالیا و همچنین "جرمی کوربین" نماینده پارلمان بریتانیا از حزب کارگر به ارائه بحث و پاسخ به سوالات فعالین حاضر پرداختند.

جرمی کوربین که خود را نماینده اپوزیسیون در بریتانیا میدانند در گفتگو با چالش بر لزوم آزادی رهبران جنبش کارگری و سندیکایی در ایران تاکید کرده و افزود در ایران جوانان و طبقه کارگر در دل جنبشی عظیم برای تغییر بنیادی سیستم موجود در ایران هستند و از این جهت است که از مبارزات انقلابی در ایران حمایت میکنم.

سخنرانان روز دوم با رویکردی ضد امپریالیستی و ضد کاپیتالیستی علیه هر دوجناح امپریالیسم ناتو و روسیه موضع گرفته و خواهان اتمام جنگی شدند که چیزی به جز کشتار و آوارگی برای مردم درگیر منطقه و سربازان هر دوجناح که از طبقه کارگر نداشته اشاره کرده و بر فقر و فلاکتی که سرمایه داری اروپا و غرب با ابزار جنگ بر طبقه کارگر کشورهای مختلف تحمیل کرده تاکید کردند.

در نشست علیه جنگ بر "لزوم صلح کامل و پایدار بین دو سوی جنگ امپریالیستی" به عنوان خواست و برنامه مشترک تاکید شد. در میان مشکلات مهم پیش پای سندیکاها و فعالین کارگری در آلمان، مخالفت مجلس و قوانین آلمان با اعتصابات سیاسی است که از سوی فعالین سیاسی و کارگری به آن اشاره شد. با وجود تمام مشکلات عموم شرکت کنندگان در رابطه با اقدام اساسی برای توافق جنگ و توقف ارسال سلاح و توقف گسترش ناتو به توافق رسیدند.

در روز دوم شنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ در نشستی که پانلیست هایش؛ "اوزلم دمیرل"، "والنیتینا اورازینی" و "جرمی کوربین" بودند، امیر عسگری از طرف حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست ابتدا علیه جنگ امپریالیستی سخن گفت و بر لزوم اعتصابات کارگری و سیاسی در توقف این جنگ کاپیتالیستی تاکید کرد و در ادامه خواهان حمایت بین المللی از طبقه کارگر ایران، ۲۰ هزار معترض بازداشت شده در خیزش انقلابی در ایران و همراهی بین المللی با مبارزات انقلابی در ایران شد.

مسئله ایران و مبارزات انقلابی در ایران علیرغم اینکه موضوع محوری نشست نبود مورد توجه تعداد کثیری از نمایندگان کارگری و سیاسی چپ بین المللی قرار گرفته و قرار است اقداماتی در این راستا حداقل در آلمان شکل بگیرد.

در پس اعلام موضع و خواست حمایت بین المللی از مبارزات انقلابی در ایران از سوی امیر عسگری، اوزلم دمیرل نماینده پارلمان اروپا به صراحت مرزبندی خود را با جریاناتی که جمهوری اسلامی را ضد آمریکایی میدانند اعلام کرد و تاکید کرد در این حمایت نباید در

۲۹ ژوئن ۲۰۲۳

علیه جنگ سرمایه داران، این جنگ کارگران نیست!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تداوم اعتراضات مردم زاهدان

روز جمعه ۲ تیرماه، مردم زاهدان طبق روال جمعه‌های اعتراضی به رغم حضور نیروهای سرکوبگر و جو شدید امنیتی در شهر مجدداً دست به تظاهرات زدند و شعارهای ضد رژیم سردادند. قابل ذکر است روز جمعه ۲ تیرماه بدنبال اعتراضات گسترده مردمی ده‌ها تن از شهروندان که تعدادی از آنان کودکان زیر ۱۸ سال بوده اند در شهرهای زاهدان، ایرانشهر، چابهار، راسک و پیشین توسط نیروهای امنیتی و نظامی بازداشت شده اند که از وضعیت شان تا لحظه تنظیم این گزارش اطلاع دقیقی در دست نیست.

تجمع اعتراضی کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

از روز دوشنبه پنجم تیرماه تا روز چهارشنبه ۷ تیرماه، کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه همراه با تعدادی از کارگران قراردادی بدلیل عدم اجرای صحیح بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل ابتدا در مقابل دفتر مدیریت شرکت و پس از آن در دفتر مدیریت امور اداری دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران نسبت به کاهش مزد مینا، کاهش گروه شغلی و کاهش رتبه و نیز عدم محاسبه سنوات خود در احکام کارگزینی معترض هستند، بگونه‌ای که دستمزد این کارگران با احتساب افزایش مزد سالیانه و طرح بازنگری مشاغل از دستمزد سال قبل خود کمتر محاسبه شده است. کارگران تاکید دارند تا زمان حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد. در یکی از بیانیه‌های کارگران هفت تپه آمده است:

اعتصابی نفس گیر لازم است

همکاران عزیز هفت تپه، یک روند تخریب و اقدامات مشکوک همراه با حمله علیه هفت تپه در جریان است که لازمست جایی ایست بزنیم و متوقف کنیم. بعد از خلع ید اگر دقیق ملاحظه کنید مرتب برای هفت تپه مشکل درست کردند. قطع آب ... موضوع انتقال مالکیت ... عدم بازگشت همکاران اخراجی ... عدم بررسی تعیین وضعیت همکاران فصلی ... بخرنج شدن خانه‌های سازمانی... موضوع انتساب و ابقای مدیران نوکر اسدیگی ... بازی‌های هفت طرح و ناصری ... سازمان دادن اوباش علیه نمایندگان ... دامن زدن به باند بازی میان عده‌ای سودجو و منفعت طلب علیه کارگران ... دست درازی حراست علیه کارگران و همکاری با دزدها و اختلاسگران ... و بالاخره بحث همسان سازی و انتخابات قلابی برای «نمایندگان کارگری» ...

- ما در این مدت بی‌تحرك نبودیم. اعتراضاتی داشتیم. خواسته‌هایمان را گفتیم که فراموش نشود. خیانت‌هایی هم داشتیم و خنجرهایی از پشت خوردیم. اما فرصت دادیم، به هفت طرح و به وعده‌ها. نتایج را

امروز همه می‌بینیم.

- همسان سازی مثل پلی بود که هفت طرح را سوار کند و در کنار آن عده‌ای به نان و نوا برسند. به کارگران از قدیمی و جدید چیزی نرسید. انتخابات قلابی برای همین بود و این تلاش که هفت تپه را ساکت نگاه داشت. خودفروشی و آدم فروشی را عده‌ای باب کردند. رقابت میان مدیران و سطوح مختلف و افرادی که با لقمه‌ای رضی هستند به فساد در لایه بالا بیشتر دامن زد و همین سیاست را در مورد کارگران هم دنبال کردند. نوچه پروری، باج دادن، دم این و آن را دیدن، ناهار و شام دادن، مهمانی و بساط راه انداختن و ... همه قرار است تعدادی را در کنار این لایه فاسد مثل خود آنها فاسد کند تا در ادارات و میان کارگران بذر ناامیدی و رقابت و تفرقه بکارند. برای این کار امنیتی‌ها و کارفرماها سالها پول خرج کردند تا حالا عده‌ای منفعت جو و بی‌عرضه زیر تابلوی حق خوری و گرفتن موقعیت و عنوان یقه‌درانی کنند.

- راستی کسی یادش هست اسماعیل بخشی چی شد؟ آنها که در مهمانی‌های عنوان و نوچه پروری و کفش لیبسی کارفرما از هم سبقت میگیرند، یادشان هست؟ نه، یادشان نیست چون سهم شان را گرفتند. این جماعت آبروی هفت تپه را بردند.

- همسان سازی شد رفیق بازی و بی‌حرمتی و جاسوس پروری. کسانی که در دوره اسدیگی موش بودند در دوره ناصری هار شدند. همسان سازی نشد، اضافه دستمزد تحقق نیافت. اختلاف با هفت طرح بیشتر شد. رقابت قانون شد. اینها یعنی فساد و فساد و تفرقه میان کارگر. یعنی تیشه زدن به ریشه سنت درخشان هفت تپه.

- در مورد همکاران فصلی و قرار دادی و سایر سطوح وضع بدتر شد بهتر نشد. کمی عقب نشستند و بعد دوباره تعرض کردند. حتی به ادبیات و فرهنگ کارگری هفت تپه تعرض شد و تلاش کردند ادبیات لات و لوت‌ها را به ادبیات هفت تپه تبدیل کنند.

- حراست هم این وسط شد واحد نیروی انتظامی و اطلاعات در شرکت. هر الاغی بلانسبت به خودش اجازه میدهد دست روی کارگر بلند کند. در سنت هفت تپه این دست‌ها را می‌شکستند تا کسی جرأت بی‌حرمتی به کارگر را بخود ندهد.

- و حالا سیاست انتظار جواب نمیدهد. بلکه راه را برای بد شدن بیشتر هموار میکند. وقت آنست که پایتخت اعتصاب جهان از خواب برخیزد و هر چیزی را سرجایش بگذارد. وقت آنست مزدوران را دوباره به لانه موش‌ها فرستاد. وقت آنست دستی که به روی کارگر بلند

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

زنجیره‌ای رفاه در سطح کشور زیان‌ده شده است. شعبه دروازه تهران فروشگاه رفاه تعطیل شده و شعبه چهارراه لاله به کار خود ادامه می‌دهد. فروشگاه زنجیره‌ای رفاه قصد دارد تمامی شعبات خود در ایران را تعطیل کند.

تجمع اعتراضی کارکنان استانداری کهگیلویه و بویر احمد در یاسوج
روز چهارشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۲، جمعی از کارکنان استانداری کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در محوطه ساختمان استانداری این استان واقع در یاسوج دست به تجمع اعتراضی زدند.

مرگ کارگر مس چهار گنبد در دستگاه نوار نقاله
یک کارگر شاغل در معدن مس چهار گنبد به دلیل فقدان اصول ایمنی حین کار جان خود را از دست داد. به گفته کارگران، حادثه حوالی ساعت ۴:۴۵ بامداد روز شنبه ۳ تیرماه رخ داد. یکی از کارگران گفته است؛ بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که کارگر فوت شده با ۴۲ سال سن مشغول کار در کارگاه بود که ناگهان به دلیل نداشتن امکانات ایمنی، از ناحیه سر و دست زیر غلطک نوار نقاله دستگاه اصلی کارگاه گیر می‌کند که در نتیجه آن جانش را از دست می‌دهد.

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع
یک کارگر ساختمانی در بلوار طالقانی شهر فردیس واقع در استان البرز، هنگام کار در یک واحد ساختمانی، بر اثر سقوط از ارتفاع به طبقات پایین‌تر جان باخت. این کارگر که حدود ۶۰ سال سن دارد به دلیل عدم وجود تجهیزات ایمنی از ارتفاع داربست به پایین سقوط کرده و به دلیل شدت جراحات وارده جان سپرد.

مصدومیت شانزده کارگر در سایه فقدان ایمنی کار
روز چهارشنبه هفتم تیرماه، در سایه فقدان ایمنی و شرایط نامناسب کار، شانزده کارگر در اصفهان دچار مصدومیت شدند. مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان منصور شیشه فروش در این خصوص گفت: "ظهر امروز انبار عمومی شرکت "حایر پلاست" واقع در محدوده شهرک صنعتی مورچه‌خورت که دارای پنج هزار متر مربع وسعت است، طعمه حریق شد". ۱۳ نفر در پی این حادثه دچار دودگرفتگی، سه نفر دچار سوختگی سطحی و یک نفر به بیمارستان منتقل شد. ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

کشته شدن یک کولبر با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی در مرز پانه

یک کولبر جوان اهل پانه به نام وریا شریفی در حین کولبری در یکی از نقاط مرزی این شهرستان با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی کشته شد.

تجمع اعتراضی سرایداران و خدمتگزاران آموزش و پرورش
روز شنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۲ سرایداران و خدمتگزاران

صفحه ۱۰

میشود را شکست. وقت آنست علیه حمله به معیشت و حقوق و حرمت کارگر ایستاد مثل یک تن واحد. وقت اعتصابی نفس گیر است.

کارگران کمباین‌سازی تبریز ۴ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

شماری از کارگران "کارخانه شرکت کمباین‌سازی سهند تبریز" از پرداخت نشدن دست‌کم ۴ ماه معوقات مزدی خود خیر دادند. این کارگران از اسفند ماه سال ۱۴۰۱ دستمزد نگرفته‌اند. یکی از کارگران این کارخانه گفت: جدا از چهارماه مزد معوقه، این واحد تولیدی پیش از سال ۹۰ حدود ۵۰۰ کارگر شاغل داشت اما از این تاریخ به بعد با افزایش تدریجی مشکلات مالی کارخانه از تعداد کارگران کاسته شد به طوری که اکنون تنها حدود ۵۰ تا ۵۵ نفر در این واحد صنعتی مشغول کارند. در حال حاضر این کارخانه بزرگ که سال‌ها به تولید انواع کمباین کشاورزی، ساندریچ‌های پانل و انواع کانکس مشغول بود، به بلبرینگ سازی مبدل شده است.

اعتراض کارگران صنایع غذایی کیوان، حقوقهای معوقه و وضعیت کارخانه

حدود ۵۸ کارگر شاغل در کارخانه صنایع غذایی کیوان خواستار برطرف شدن مشکلات خود هستند. آن‌ها به دلیل تامین نشدن مواد اولیه و توقف تولید در کارخانه، بیکار هستند. پیش‌تر رئیس وقت قوه قضائیه از کارخانه کیوان بازدید کرد و دستور راه‌اندازی کامل کارخانه را داد اما متأسفانه بعد از مدت کوتاهی همچنان شرایط همانند قبل است و کارخانه به دلیل مشکلات مالی و بدهی‌ها وضعیت مشخصی ندارد و از پاییز سال گذشته (۱۴۰۱) تولیدات آن به طور کامل متوقف شده است. این واحد با ۵۰۰ تا ۶۰۰ کارگر بعد از واگذاری به بخش خصوصی به مرور دچار مشکل شد به طوری که هم اکنون ۴۰ کارگر قرار داد موقت و ۱۸ کارگر شرکتی تامین نیرو (تجزیه شیمی پارس) دارد. کارخانه کیوان همانند سایر کارخانه‌های هلدینگ داروگر دچار بدهی مالیاتی است و در این بین جدا از چند بانک، به تامین اجتماعی هم بدهکار است. همه خط تولیدی صنایع غذایی کیوان غیرفعال شده و در حال حاضر هیچ تولیدی ندارد. همکاری که به مرور متقاضی بازنشستگی هستند تمام هزینه بازنشستگی سخت و زیان‌آور خود را از جیب پرداخت می‌کنند.

اخراج گسترده کارکنان فروشگاه زنجیره‌ای رفاه در تبریز

حدود ۲۰۰ نفر از پرسنل باسابقه مجموعه فروشگاه‌های رفاه تبریز از سوی مدیریت منطقه این فروشگاه از کار برکنار شدند که این برکناری موجب تنش و اعتراض در فروشگاه‌های رفاه سطح شهر تبریز شد. حسین فتحی، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌های محلی گفت: متأسفانه فروشگاه‌های

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

تجمع بازنشستگان کشوری اردبیل

روز سه شنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۲، جمعی بازنشستگان کشوری اردبیل مقابل صندوق بازنشستگی کشوری استان اردبیل با شعارهای "تورم گرانی، ننگ بر این زندگی" و "معلم زندانی آزاد باید گردد" دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع شهروندان دارای ناتوانی جسمی و حرکتی

روز سه شنبه ششم تیرماه ۱۴۰۲، شماری از شهروندان دارای معلولیت در تهران، در مقابل یکی از ساختمانهای قوه قضائیه در اعتراض به اجرا نشدن ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان و حذف ردیف بودجه قانون حمایت از معلولان دست به تجمع زدند.

بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در باره اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان در باره اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه از جمله آمده است: "دانشگاه به جهت زمینه و محیط اندیشه‌ورزی، تولید اندیشه و تزریق آن به جامعه ماهیتی آوانگارد و پیشرو دارد که نمی‌تواند در برج عاج خود برکنار از مسائل حساس جامعه باشد. اعتراضات دانشجویی در راستای همین کارکرد و مسئولیت است و گر نه حاکمیت در تمامی این سال‌ها به بهانه حفظ امنیت تلاش نموده با پدیده "زیردست‌سازی" هر نهاد و جریان اجتماعی خارج از گفتمان و ایدئولوژی خود را از هویت تهی کند تا بتواند در سیطره و کنترل خویش نگه دارد. اتفاق اخیر در دانشگاه هنر، بار دیگر نشان داد، حاکمیت نمی‌خواهد جبهه خود را در تقابل با مردم عوض کند و از آن سو دانشجویان هم با علم به نقش خویش در جامعه به‌عنوان پرچمداران خیزش تحول‌خواهی دست از مطالبات خود نمی‌کشند. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن رفتار غیر مسئولانه و حرکت متحجرانه گروهی که نه درک درستی از فرهنگ دارند و نه هنر را به مثابه فرهنگ می‌بینند، به حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام می‌دارد، هر نوع اهرم فشار بر نهادهای دانشگاهی و دانشجویان پیشرو، نتیجه‌ای جز تزلزل در پایه های حاکمیت نخواهد داشت. این را می‌توان به‌وضوح از بیانیه قاطع دانشجویان این دانشگاه دریافت". شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، چهارم تیرماه ۱۴۰۲

اعتراض دانشجویان خوابگاه دخترانه دانشگاه یزد

روز جمعه ۲ تیر ساعت ۱۲، دانشجویان خوابگاه دخترانه دانشگاه یزد در اعتراض به کیفیت پایین غذا در سلف‌الغدیر این خوابگاه تجمع کردند و در ادامه سینی‌های غذای خود را در مسافتی طولانی از سلف تا در گیت خوابگاه چیدند. این اعتراض قریب به ۳ ساعت ادامه داشت. گفته می‌شود نیم ساعت پیش از آغاز اعتراض در نتیجه‌ی مسمومیت یک دانشجو، آمبولانس به محل اعزام شده بود.

احتمال اجرای حکم اعدام میلاد زهره وند در ملایر

خبرگزاریهای حکومتی به نقل از دادستان کل استان همدان اعلام کردند: "حکم قصاص میلاد زهره‌وند، ۲۰ ساله، از معترضان شهر ملایر صادر شده و به دیوان عالی کشور ارسال شده است". علی نظری

آموزش و پرورش از سراسر کشور با برپایی تجمعاتی مقابل سازمان استخدامی کشور و آموزش و پرورش، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. تجمع کنندگان نسبت به سطح پایین حقوق و مزایا و تبعیض بین آنها و دیگر کارمندان اعتراض دارند.

تجمع اعتراضی کارکنان تعاونی های سهام عدالت

روز یکشنبه چهارم تیرماه ۱۴۰۲، شماری از کارکنان تعاونی های سهام عدالت از شهرستان های مختلف کشور در مقابل ساختمان قانون شرکت های سرمایه گذاری سهام عدالت در تهران، دست به تجمع زدند. تجمع این شهروندان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات مزدی آنها صورت گرفته است.

تجمع اعتراضی پرسنل تامین اجتماعی تهران

روز شنبه ۳ تیرماه، پرسنل تامین اجتماعی با برپایی تجمع مقابل درب سازمان تامین اجتماعی در تهران نسبت به سطح پایین حقوق دریافتی و معضلات معیشتی خود اعتراض کرده و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان در استان ها

روز یکشنبه ۴ تیرماه بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شوش، کرمانشاه، شوشتر، اهواز و بازنشستگان فولاد اصفهان، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، وضعیت بد درمان، اعتراض به تورم و گرانی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مجدداً دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی

روز یکشنبه ۴ تیرماه، گروهی از فرهنگیان استان یزد مقابل استانداری یزد، در راستای پیگیری اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان (اجرای ماده ۳۰ برنامه ششم توسعه) تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات استان ها

روز دوشنبه ۵ تیرماه، جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی خوزستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، سندج، مازندران، مرکزی، لرستان، تبریز، زنجان، آذربایجان غربی، بروجرد، هرمزگان و ایلام در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات این استان ها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

گردید
به نقل از فرزانه زیلابی یکی از وکلای پرونده گفته شده است که دو عنوان اتهامی در این پرونده به بازنشستگان تفهیم شده بود؛ فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت. دو تن از بازنشستگان به نام های بهرام گرگان و جهانشاه اسدی نیا در این پرونده به یک سال حبس تعزیری بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم شدند که در نهایت مجازات حبس هرکدام از نامبردگان به جزای نقدی معادل شش میلیون تومان تبدیل گردید. حکم برائت سایر متهمان پرونده؛ محمد علی برون، داریوش زراسوند، علیرضا اکبری بیرگانی، فرهاد راهدار از اتهام های انتسابی صادر گردید. زیلابی افزود: "این دادنامه طنز تلخی بود". طنز تلخ این دادنامه آنجاست که بازنشستگان از تورم و وضعیت طاقت فرسای معیشتی شان به تنگ آمده اند و اما پاسخشان پرداخت جزای نقدی است که یا باید بپردازند یا باید به زندان بروند. طنز تلخ دیگر آنجاست که در متن دادنامه یکی از موکلان را برای خواندن "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در راه آزادی، مرگ بر این بندگی، مرگ بر این زندگی" به فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی محکوم کرده باشند.

از نیروهای اطلاعات سپاه ملایر، در جریان خیزش سراسری آبان ماه سال ۱۴۰۱ کشته شد که اتهام قتل او را به میلاد زهرموند نسبت داده اند. حکم قصاص میلاد در دستگاه قضایی همدان صادر و برای تایید به دیوان عالی کشور ارسال شده است. از پرونده میلاد اطلاعات چندانی در دسترس نیست، و بر اساس گزارش های منتشر شده، این متهم از داشتن وکیل محروم بوده است.

ادامه همبستگی با توماج صالحی پس از برگزاری دادگاه غیرعلنی
در پی انتشار خبر برگزاری دادگاه غیرعلنی برای رسیدگی به اتهام های توماج صالحی، خواننده معترض زندانی، کاربران شبکه های اجتماعی به ابراز همبستگی با او ادامه می دهند. وکلای سیاسی توماج صالحی اعلام کردند محاکمه مخفیانه صالحی روز یکشنبه ۲۸ خرداد "پشت درهای بسته" برگزار شد. کاربران با هشتگ کردن نام این خواننده رپ او را "صدای اعتراض خفه شده" مردم ایران نامیدند و ۲۳۸ روز بازداشت صالحی را "ظالمانه" دانستند. کاربران همصدا با فعالان مدنی درخواست آزادی هرچه سریعتر توماج صالحی را تکرار کردند. نمایندگان پارلمان های آلمان، اتریش، نیوزیلند و ایتالیا کفالت سیاسی توماج صالحی را پذیرفته و خواستار دسترسی به پرونده او شده اند.

تائید حکم بدوی دادگاه تجدید نظر آیشا اسداللهی
آیشا اسداللهی، معلم و مترجم رسمی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی، بابت دو اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به پنج سال و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد که این حکم اولیه در دادگاه تجدید نظر عیناً تایید و به شعبه ۱ دادگاه مقدس (اوین) ارسال گردید. قابل ذکر است هنوز نامه معرفی به زندان به ایشان ابلاغ نشده است. کامران ساختمانگر به دادرسی سندج احضار شد.

جان باختن ۲ نفر در سد سبلان مشکین شهر بر اثر فقدان ایمنی در کارگاه
معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان اردبیل از جان باختن ۲ نفر بر اثر سقوط یک قطعه فلزی از جرثقیل در کارگاه سد سبلان مشکین شهر خبر داد. جان کارگران در این نظام چنان بی ارزش شده که کارگاه ها از کمترین امکانات ایمنی هم برخوردار نیستند.

تداوم بازداشت ستایش امیری، دانش آموز شیرازی
ستایش امیری دانش آموز ۱۷ ساله ای که توسط نهادهای امنیتی به اتهام جعلی نقش داشتن در مسمومیت ها ربوده شده بود، همچنان در بازداشت است. ستایش بیش از ۱۰۰ روز است که در زندان عادل آباد شیراز در بلا تکلیفی محبوس است. پدر ستایش، ابراهیم امیری، هم که بازداشت شده بود، همچنان در حبس است. لازم به ذکر است دو دانش آموز دیگر عرفانه هنر و ستایش داروغه که در شیراز در ارتباط با این پرونده سازی ربوده شده بودند و در یک ویدیوی اعتراف اجباری با ستایش حضور داشتند آزاد شده اند.

رای صادره در سومین پرونده غلامرضا غلامی کندی
انجمن صنفی معلمان فارس اعلام کرد: رای بدوی پرونده سوم غلامرضا غلامی کندی در شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز به ریاست محمود ساداتی که در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۴۰۲ برگزار شده بود، صادر گردید: ۵ سال زندان به جرم عضویت در گروه های مجازی معاند نظام، یک سال زندان به جرم تبلیغ علیه نظام، ۲ سال تبعید به بیرجند، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور با ابطال گذرنامه، ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

حکم برخی از بازنشستگان تأمین اجتماعی استان خوزستان ابلاغ



اعدام قتل عمد دولتی است!



شروع کرده به عوام فریبانه‌ترین اشکال از اینها نیرو کردن و بازسازی کردن خود. واقعا با عوام فریبانه‌ترین شیوه. از تعریف کردن عده‌ای به اسم "طیف کومه‌له"، کسانی که خودشان در جلسات

مختلف درباره عقب ماندگی سیاسی آنها حرف زده‌اند، تا شهید خوری. شروع کرده‌اند شهید شهید کردن و همه را بحساب خودش میگذارد. میخواد تاریخچه آن سازمان را بخورد، افرادش را بخورد، محبت به آن را بخورد و غیره.

اینها نام خودشان را گذاشته‌اند کومه‌له. این یکی از سرقت‌های بزرگ سیاسی محسوب میشود. کومه‌له اسم تشکیلی بود به اسم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران. این تشکیلات سه کنگره گرفت. کنگره اولش را نه نفر تشکیل دادند و کسانی که در جلسه انجمن مارکس درباره تاریخ شفاهی کومه‌له بودند یادشان هست که چه کنگره‌ای بود. اسنادش را ما داریم اگر بخواهند میتوانیم چاپ کنیم. کنگره دومش به اتحاد مبارزان کمونیست درود میفرستد و میگوید من چپ هستم و پوپولیسم را نقد میکند. کنگره سومش برنامه حزب کمونیست ایران را تصویب میکند و تصمیم میگیرد حزب را تشکیل بدهد. کدام یک از این کنگره‌ها وجود این سازمان را توجیه میکند؟ اینها طرفدار کدام کنگره سازمانیشان هستند؟ از اینها باید پرسید شما طرفدار کدام یک از کنگره‌های سازمان زحمتکشان هستید؟ هیچکدام؟ به چه اجازه‌ای این اسم را روی خودتان گذاشته‌اید؟ میتوانم من جگرکی بالای مغزاهم یک M بنویسم و بگویم این مک دونالد است؟! بالاخره حساب و کتاب و قانونی وجود دارد. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان توسط کنگره‌هایش و نمایندگان و رهبران منتخب قانونیش به یک حزب پیوست. تازه در این مورد فراندیم هم کرد و شما رأی نیاوردید. همه، از جمله خود شما، در آن حزب عضو شدند. مثل این است رفیقی که ما قبلا میشناختیم برود سرخود اتحاد مبارزان کمونیست را تشکیل بدهد. این سازمان معلوم است چه شد. از اینجا به آنجا رفت. نمیتوانی اسم خودت را داروین بگذاری و باقی تئوریش را بگویی یا آرم کس دیگری را برداری، دست تو نیست. سازمان انقلابی زحمتکشان به حزب کمونیست ایران پیوست، قانونا، با پای خودشان و با رأی خودشان و مطابق پروسه‌های قانونی خودشان. این بالا کشیدن یک سازمان است. قبول داشتیم اگر می‌گفتی که من ایده‌های آن سازمان را قبول دارم. اما ایده‌هایش را هم که قبول نداری. آن سازمان "از کنگره یک تا کنگره دو"، نوشته شعیب زکریائی، سند هویتی‌اش است و پوپولیسم را نقد کرده، گفته باید حزب تشکیل شود، به من ابراد گرفته چرا اکونومیستی مخالف تشکیل حزب هستم... بنابراین معلوم است که فقط اسمش را میخوانند.

چرا اسمش را میخوانند؟ چون اگر فردا روزنامه کیهان بنویسد که سه تن به اسامی بابامیری، ایلخانی زاده و مهدی سازمان دیگری تشکیل دادند، همه میگویند خوب که چی؟ چکار کنیم؟ مگر طاهر خالادی تشکیل نداده؟ مگر صد نفر دیگر از کومه‌له چیزهای دیگری را تشکیل نداده‌اند؟ طرف اسمش را میخواند و رسماً در روز روشن سرقت مسلحانه میکند. اسم را میخواند چون خودش کسی نیست. وگرنه چه سنتی را میخواند بیدار کنید؟ به کدام سنت این کومه‌له دارید دست میبرید و از آن

ماهیت سیاسی سازمان زحمتکشان، رمز

جدال بر سر نام "کومه‌له"

منصور حکمت

آیا این جماعت سازمان زحمتکشان نیروئی هستند؟ به نظر من از نظر اجتماعی نه اما از نظر نظامی و سیاسی آری. به نظر من راه انداختن باندهای فالانژ مسلحی که بر نفرت و کاریزمای رهبریش و بر تحریک بنا شده باشد، اصلاً کاری ندارد. به ارتش رهائی بخش کوسوو نگاه کنید، به عبدالله اوجالان نگاه کنید، که تازه دارد خیلی اجتماعی‌تر کار میکند. عبدالله اوجالان پلاتفرمی که دارد در ترکیه نیروی مادی ندارد. جامعه ترکیه نمیداند بالاخره با این پدیده چکار کند. عبدالله اوجالان جوابگوی مسائل نیست اما این واقعیت مانع از آن نمیشود که اوجالان ده سال نیروی زیادی را پس و پیش کند و برود و بیاید. ارتش رهائی بخش کوسوو را اصلاً سبب درست کرده است. اما الان نمیدانند در مقدونیه چطور از شرش خلاص شوند. به نظر من سازمان زحمتکشان میتواند دو هزار، پنج هزار یا شش هزار نفر مسلح را جمع کند و موی دماغ هر آدم متمدنی در جامعه کردستان بشود، شورا تخته کنند، فلان چیز مالیده بگویند، زیر جُلکی با همتای فارسشان در تهران گاوبندی کنند و شرایطی را به مردم کردستان حقه کنند، تروریسم سیاسی و نظامی سازمان بدهند. اینطور نیست که چون از نظر اجتماعی چیزی نمیشوند، چون رهبری ناسیونالیسم کرد را نمیخوانند بگیرند، چون طبقه کارگر کردستان با آنها نمیرود، در نتیجه محفلی مثل "بروسکه" هستند. نه، اینطور نیست. بنظر من دستکم گرفتن جریان سازمان زحمتکشان اشتباه است. چون آگاهانه میخواند ناسیونالیسم را به یک سطح فالانژ ارتقا بدهد و میخواند حزب نفرت علیه چپ درست کند. حزب دمکرات با ما جنگ هم کرده است اما از روبرو که نگاهش میکنی میبینی که ممکن است در یک چهارچوب سیاسی تابع یک مقرراتی شود و مقررات بازی را قبول کند. اینها این طور نیستند. فالانژیسمی که در این تشکیلات هست خیلی برجسته است. نفرتش از چپ و تحریف تاریخش و بحث‌های اخلاقی-عاطفی که دارد میکند: "اخلاص"، "صداقت". حزب دمکرات ندیده‌ایم از اخلاص و صداقت حرف بزند. میگوید موضع من این است. بحث اخلاص، بحث صداقت، بحث خیانت کلماتی است که ببرد پاکسازی قومی میخورند. در نتیجه ما داریم در اینها "آرکان"ها، "توچمان"ها و "کارادزیچ"های آینده آن مملکت میبینیم. چقدر رشد میکند؟ بستگی دارد به اینکه بقیه ما چطور با آن برخورد میکنیم. به نظر من اگر اینها دارند رشد میکنند به این دلیل است که جریان کومه‌له، مطابق همان ایرادی که به آن میگیرند، نا فعال و خواب آلوده افتاده است. چون سدّ اول در مقابل آنها کومه‌له است. کومه‌له است که باید هویت اینها را در جامعه نامشروع اعلام کنند. آنها هستند که باید بگویند کسی دور اینها نرود. در صورتی که میدان را داده‌اند دست اینها، و اینها را به حال خود گذاشته‌اند. حتی من و شما نمیتوانیم بفهمیم کدام اعلامیه دفتر نمایندگی کومه‌له مال کی است؟ اخبار کدام یک را میخواند؟ سخنرانی کدام یک از اینها باید برود؟ فلان جشن را کی گرفته؟ چون کومه‌له سرش را کرده زیر برف و فکر میکند "هیچ نیست"، "هیچ نیست" میگذرد و قضیه شفا پیدا میکند و طرف مضمحل میشود، و طرف هم

ماهیت سیاسی سازمان زحمتکشان، رمز جدال

بر سر نام "کومه‌له" ...

دفاع میکنید؟ دارد میگوید معروف کیلانه حق داشت، دارد میگوید جلال طالبانی حق داشت، دارد میگوید ماموستا شیخ عزالدین حق داشت، بعد خودش میگوید کومه‌له. دارد به کومه‌له فحش میدهد اما میگوید من کومه‌له‌ام. کومه‌له نگفت جلال طالبانی حق داشت. کومه‌له نگفت معروف کیلانه حق داشت، کومه‌له وقتی زنده بود و آدمهایش کشته نشده بودند، که الان نتوانند شهادت بدهند، اینها را نگفت. یک عده زیادی از چیزی که شما دارید خودتان را به آن میچسبانید رفته به اسم سوسیالیسم کشته شده و گفته است زنده با حزب کمونیست ایران! این دزدی است. و جالب است که کومه‌له نشسته است و میگوید اسم مهم نیست محتوایشان را باید نقد کرد!

اسم مهم نیست چیست؟ دارد بزرگترین هدیه تولدش را به او میدهد و میگوید بفرما اسم را هم میخواهی بپر و هر چقدر میخواهی با آن عوامفریبی کن. هر چقدر کسی معتقد باشد که اسم کومه‌له اسم معتبر و مهمی است، به همان درجه باید از کاری که اینها کرده‌اند منزجر باشد، چه برسد به اینکه هنوز اسم خودش کومه‌له باشد. این دادن حربه به یک عده آدم ناسیونالیست است که فردا به اسم سازمانی که نقطه درخشانی در تاریخ چپ جامعه بوده، پاکسازی قومی سازمان بدهد، ملیت ما را در شناسنامه‌هایمان بنویسد، نفرت از چپ را دامن بزند، و در مدارس مزخرفات درس بدهد. تاریخی که از آن حرف میزند را که داریم می بینیم. میخواهد این را بنویسد و در درس تاریخ مدارس تدریس کند. داریم به چیزی نگاه میکنیم که فردا قرار است ارتش آزادیبخش کوسوو باشد. و میخواهد این کار را به اسم کومه‌له انجام دهد. مثل این است که ارتش آزادیبخش کوسوو اسم خودش را بگذارد حزب بلشویک. به نظر من این پروسه که ما در مقابل این جریان ایستاده‌ایم نه اهالی محل، که دقیقاً خواب آلودگیشان آن چیزی بوده که ما بخاطر آن ترکشان کردیم، خجالت‌آور است. دقیقاً بی‌تفاوتیشان به سیاست، به طبقات، به ایدئولوژی، به تئوری و به آرمانهای اجتماعی و سیاسی چیزی بود که ما گفتیم دیگر نمیتوانیم تحمل کنیم و آنها را ترک کردیم. این همان پدیده است که دارد به یک عده یک مانده آسمانی میدهد که در حالی که در غیاب این اسم یازده نفر را هم نمیتوانند دور خودشان جمع کنند، بروند کاسه بچرخانند و نیرو جمع کنند. دروغ بگویند و نیرو جمع کنند. و ما میدانیم اینها چرا نیرو جمع میکنند. ناسیونالیسم کُرد را دارند در یک سازمان فالانژ متشکل میکنند. جای تأسف است که کسانی که دیروز رفیق ما بودند و چپ بودند رهبر این ماجرا شده‌اند. اما این قبلاً هم پیش آمده است و چیز عجیبی نیست. بعضی برای اینکه رهبر شوند حاضرند هر جایی بروند. نتوانست رهبر کومه‌له بشود، رهبر سازمان خودش شده. به هر حال باید این را در نظر بگیریم که اینها یک جریان فالانژ هستند و حقانیتی در مورد نام کومه‌له ندارند.

* از سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن، "بحران و انشعاب در کومه‌له". ۲۴ مارس ۲۰۰۱
متن کامل:

[Mansoor Hekmat - Zhoobin Razani - Public Archive \(public-archive.net\)](http://Mansoor Hekmat - Zhoobin Razani - Public Archive (public-archive.net))

چه نفرت انگیز است!

نگ تان باد!

رحمان حسین زاده

چند روز بعد از قتل دو جوان و زخمی شدن چند نفر و سلب امنیت جسمی و روانی از دهها انسان دیگر که متأسفانه هنوز خود را وابسته به دو گروه فالانژ فدرالیست و توطئه گر میدانند، هنوز آثار قتل که مرتکب شدند، فعال و زنده مورد بحث است، انگار افتضاحی بیار نیارنده اند، امروز تحت نام "سازمان زحمتکشان کردستان" اعلامیه منتشر کرده و گویا پلنوم برگزار کرده اند!!؟؟ بی پرده و بدون شرم، نوشته اند، انشعاب کردیم چون "پروسه اتحاد طبق قول و قرار شان" پیش نرفت. یعنی آنطور که قرار بود پست و مقام و پول در میانشان توزیع نشد. مهندی به اندازه کافی در خوان یغما کعبی، محمدی را شریک نکرد. برخلاف پروپاگاندا فریبکارانه که گویا به نزدیکی مهندی با رضا پهلوی زیادی معترض بوده اند، خیلی حاشیه ای به شکست پروژه جرج تاون تا دیروز مشترک به زعامت مهندی دبیر کل شان اشاره کرده اند. اکنون در پلنوم خانم محمدی و آقای کعبی به پست و مقام مورد نظر و پول و امکاناتی که مستقیماً در اختیار خواهند داشت رسیده اند. هزینه اش را دو جوان امیدوار به زندگی و اما متوهم به یک گروه فالانژ و ناسیونالیست پرداختند. دو جوان جانباخته و چند نفر زخمی پیامد جنگ و دعوی شبه قبیله ای بین عناصر فاسد و مرتجعی چون عبدالله مهندی و رضا کعبی و ایلخانی زاده و فریبا محمدی است. این پدیده عقب مانده محصول جنبش تماماً ارتجاعی فدرالیستی و ناسیونالیستی است. تأسف بار اینکه هنوز در دو طرف مقابل، هستند کسانی برای این چهار نفر مجرم قابل محاکمه و دادگاهی و زندان به نام سیاست و سازمان کف میزنند. اگر کمترین بارقه های حق طلایی در منطقه تحت کنترل دولت اقلیم کردستان برقرار بود، هم اکنون این چهار نفر یعنی مهندی، کعبی، محمدی و ایلخانی زاده به عنوان مسئولین و مسببین جنگ و جنایت اتفاق افتاده هفته قبل میبایست در گوشه زندان منتظر محاکمه و پاسخگویی باشند. زمانی که حاکمان ناسیونالیست کردستان عراق پرونده مشابه صدها بار سنگین تر را در کارنامه خود دارند، معلومست خبری از پاسخگو کردن مسببین قتل و جنایت در میان نیست. بلکه بر عکس "پلنوم" برگزار میشود و بساط "سخنگو سازی و دبیر کل بازی" و آمد و رفت "میانجیگران ریاکار" برقرار است. مهمتر خانم "سخنگو" و آقایان "دبیر کل و معاون" خوش و خرم به کردایه تی ادامه میدهند. این عین منجلاب کردایه تی است. اینجا یکبار دیگر باید گفت جوانان و انسانهای متوهم به این دو گروه توطئه گر چشم و گوشه‌شان را باز کنید، بیش از این فریب این شعبده بازیها و مانورها را نخورید. این مدت خود تجربه کردید، اینها سازمان سیاسی نیستند، بلکه دو باند ناسالم و فالانژ و توطئه گرند که منزوی شدن و انحلال آنها صد البته به نفع جنبش آزادیخواهانه و انقلابی در کردستان است. بیشتر و بیشتر صف آنها را ترک کنید.

۲۹ ژوئن ۲۰۲۳

جنایتی دیگر در اردوگاه زحمتکشانیها

همایون گدازگر

۴۸ ساعت از قربانی شدن دو جوان پیشمرگ در اردوگاههای دارودسته موسوم به زحمتکشان سپری شده است و با دخالت نیروهای امنیتی شهر سلیمانیه اوضاع در اردوگاههای آنها اکنون آرام است. میانجیگران و ریش سفیدان احزاب سیاسی منطقه به دست و پا افتاده اند تا بر روی آتش این درگیری آب بریزند و با ماستمالی کردن این فاجعه اوضاع را به روزهای قبل از آن برگردانند.

اما سابقه و تاریخ این جماعت روشن تر از آن است که بتوان آن را زیر فرش کرد. واقعه ۳۱ خرداد در اردوگاه اینها جرعه در آسمان بی ابر نبود. ۲۲ سال تاریخ این جماعت مملو است از توطئه و سرکوب و تهدید مخالفین و اسلحه کشیدن بر روی دیگران در داخل و خارج سازمان خودشان. کلید موجودیتشان با فساد مالی و توطئه و کودتا و ربودن نام کومله زده شد.

تهدید کردن مخالفین به ترور، سربه نیست کردن اعضا ناراضی و خودکشی زنان در این سالها اتفاقات مکرر در اردوگاه این جریان بوده است. این روش و خصوصیات در طی ۲۰ سال گذشته اینها را بصورت یک جریان فالانژیست و بی پرنسیپ درآورده است که ظرفیت دست زدن به هرکاری را دارند. اینجاست که احزاب سیاسی و جبهه آزادیخواهی در کردستان باید ظرفیت و خطر این باند را دریابد و در افشا و طرد آن بکوشند.

در طی خیزش انقلابی سال گذشته سران این جریان با نزدیک شدن به جریانات راست سراسری که خود با جمهوری اسلامی در ارتباط هستند و برای مقابله با جنبش انقلابی مشغول توطئه و بند و بست هستند، این خطر را بوجود آورده است که این جریان مسلح و بی پرنسیپ در آینده با تبنانی با جریانات راست و جمهوری اسلامی به خیزش و انقلاب مردم خون بپاشد. در همین رابطه برنامه عبدالله مهندی برای ایجاد ارتش کردستانی بقول او برای جلوگیری از هرج و مرج در کردستان همه و همه نشان از این واقعیت دارد که این باند مسلح می تواند مزاحم خیزش رادیکال و برحق مردم در کردستان بشود.

جریانی که در آن اسلحه کشیدن بر روی یکدیگر و مخالفین دارای سابقه ای طولانی است، برای آینده جامعه کردستان مضر و خطرناک است و می تواند هر تشکل و اعتراض برحق مردم کارگر و زحمتکش را به خاک و خون بکشد. اطلاق سازمان سیاسی به این جماعت و بی توجهی احزاب و سازمانهای سیاسی به ظرفیت های مخرب آن اشتباهی مهلک و نابخشودنی است. افشا و طرد این جریان در جامعه کردستان وظیفه همه انسان ها و جریانات آزادیخواه و انقلابی است.

یقینا مسببین اصلی جنایت روز ۳۱ خرداد با قربانی کردن و معرفی کردن تنی چند از پیشمرگان، تحت عنوان نافرمانی و شروع تیراندازی از طرف آنها، خود را از زیر بار مسئولیت این جنایت بدر خواهند برد

و سر کار و شغل خود بخواهند گشت. اما صف مبارزین و آزادیخواهان بخصوص جریانات چپ و کمونیست باید در افشای ماهیت و جایگاه آنها در تحولات اجتماعی پیش رو غافل نباشند.

۱ تیر ۱۴۰۲

متوجه صورت مسئله نیستید!

عبداله دارابی

میخواهم چند کلمه ای در مورد موضع میانجیگرانه رفقا مهرنوش موسوی و رحمت فاتحی، در برخوردشان به رویداد دیروز اردوگاه زرگویزیله در اطراف سلیمانیه کردستان عراق مطرح کنم. اینمورد برخورد نمونه تیپیکی است که خط وسط و میانجیگر چه در سازمانهای ناسیونالیست و چه افراد و محافل بیرون دنبال می کنند.

بدنیال برخورد مسلحانه دیروز دو شاخه سازمان زحمتکشانی ها در زرگویزیله، که متأسفانه به کشته شدن دو جوان و زخمی شدن سه نفر دیگر منجر گردید، ابتدا مهرنوش موسوی و در تأیید آن رحمت فاتحی، بجای برخورد درست و سنجیده به کنه قضیه، در نقد- مخالفت با نوشته یک پاراگرافی رفیق رحمان حسین زاده که به درست تاکید مجددی بود بر معرفی سازمان زحمتکشان به عنوان یک دارودسته فالانژ ناسیونالیست و نه جریان سیاسی در اپوزیسیون و براین اساس درخواست از افراد مسلح آنها که در جنگ افروزی سران فاسد این دو طرف شرکت نکنند و صفوف این جریان ناسالم را ترک کنند، خود به دنباله رو کمپین میانجیگران خواستار آتش بس تبدیل شدند. نامسئولانه اصل و مبانی وقوع درگیری را لوٹ و مغشوش میکنند. این رفقا، با وجود شناخت کامل شان از شکل گیری این نیروی فالانژیستی، باز در عقب کاروان کدخدانمشان راه افتادند و آب به آسیاب این خط دست راستی میریزند.

درست است کمی سن ها بالا رفته ولی تک تک ما هنوز پروسه چگونگی ایجاد این نیروی فالانژیستی بنام سازمان زحمتکشان را فراموش نکردیم و عملکرد نادرست و ضد کمونیستی و ضد انسانی تالکونی شان همواره اذهان خیلی ها را نسبت به خود آبدیت و فعال نگهداشته است. معلوم نیست کدام محاسبات سیاسی موجب میشود که شما این تاریخ را لاک بگیرید و تلویحا شاخه های یک باند تروریستی را "جریان سیاسی" جا بزنید و سپس موضع کدخدانمشی را اصل سیاست کمونیستی و برخورد سیاسی بنامید! سوال اینست چرا این نیروی ضد جامعه را برسمیت میشناسید و خواست هایتان را جلویشان می گذارید؟ چه منفعتی دارید که باند مهندی ایلخانی کعبی را به اصول دمکراتیک و مناسبات سیاسی مجاب کنید؟ مگر ندیدید که با نقشه رفتند دوستان خودشان را به گلوله بستند و کشتند؟ شماها کجای دنیا قرار دارید؟



جریانات سیاه و فالانژ "ریش سفید و صلح طلب" بر نمی تابند

نادر شریفی

گروه باندیدوس که با نام Bandido Nation نیز شناخته می شود، یک "باشگاه موتور سیکلت و

راکر" با پنج هزار عضو در سراسر جهان نیست که هر ساله موتورسیکلت های هارلی دیویدسون خودشان را در خیابانها و محلات زندگی میلیونها انسان بنمایش می گذارند! یا با جلیقه های سیاه و حکاکی های طلائی و بادکنک هوا کردن و پخش پرچم مکزیک، خواهان محبوبیت بیشتر در ۲۲ حداقل کشور در حمایت از مردم ستمدیده مکزیک باشند. گروه باندیدوس یک سازمان تبهکار و مافیائی در کنار گروههای دیگری مثل Hells Angels است. این گروههای مافیائی در سراسر دنیا در خرید و فروش مواد مخدر، اسلحه، پول شویی و ... و زنان نقش مهمی بازی میکنند! مخالفان خود در درون گروه خود و رقبا را به فجیع ترین وجهی ترور و سر به نیست می کنند و دست آخر با خشونت کامل بدنیاال منافع مادی و اجتماعی خود می باشند. باندیدوس و هلس آنجلس نه تنها گروههای مافیائی در پی انباشت ثروت از طریق معامله و خرید و فروش در مجراهای کناری متعفن "بازار آزاد" جهان سرمایه اند، بلکه نماینده سیاهی، تباهی، فرهنگ رذالت، ارتجاع، بردگی زنان و در کل تبلور فرهنگ کپک زده عقبگرایی و ارتجاع جهان "سرمایه داری" اند که معتقدند همه چیز و همه کس قابل خرید و فروش است.

سازمانهای مافیائی از جمله سازمان زحمتکشان مهدی، ایلخانی زاده و کعبی امروز و پس از بیست سال با دشمنی با کومه له کمونیست و فرمان ترور مخالفین، تفاوت قابل عرضی با گروه باندیدوس ندارند، هرچند که از نظر قد و قواره با آن بالائی ها قابل مقایسه نیستند. ولی در سرکوب و سر به نیست کردن مخالفان "خودی" و "غیرخودی" در سایه حمایتها و سرپوشهای بی دریغ اتحادیه میهنی دست کمی از دیگر سازمانهای مخوف سیاه مافیائی ندارند. اینها دو باند تبهکار در پی انباشت ثروت برای رهبران، معامله زنان در درون قرارگاهها و جمع آوری هرچه بیشتر حمایت مالی و نظامی از اتحادیه میهنی و حتی نشست و برخاست برای معامله با جمهوری اسلامی اند. بوی گند منجلابی که اینان در آن سیر و غور میکنند، راستش حتی فعالین قدیمی آنان را از این جمع فراری داده و کم نیستند کسانی که با گذشته مشترک، آنان را گروههای مافیائی می نامند.

این جمع مافیائی در پی نشستهای در پی "همکاریهای مشترک" مانند تاریخ سیاه بیست سال گذشته خود باری دیگر دست به اسلحه بردند که در این میان دو پیشمرگه کشته و یک نفر از آنان زخمی شدند.

کمیته کردستان حزب کارگری ایران- حکمتیست در اطلاعیه مربوط به این حوادث نوشت: "ما اما به اعضا و جوانانی که در صفوف این دو جریان فعالیت میکنند اکیدا توصیه میکنیم در این جنگ قدرت رهبران و طرح کشتن همسنگرهای تا دیروزشان شرکت نکنند و بازیچه امیال و پروژه های رهبران قدرت طلب این جریانات قرار نگیرند. این جنگ و کشمکش بی ارتباط با سیاست و مبارزه، جنگ شما نیست. راه دیگری برای ادامه یک زندگی شرافتمندانه ممکن و میسر است!"

مهرنوش موسوی که قبل تر در یک بیانیه با امضاء جمع غیر قابل عرض پنجاه نفری، خواهان وساطت و ریش سفیدی بین دو جریان مافیائی و سیاه، پیروزی

متوجه صورت مسئله نیستید ...

مگر اطلاع ندارید که قبل از شما، نیروی آسایش اتحادیه میهنی، بمنظور "آرام کردن" اوضاع در آنجا مستقر شده و "آتش بس" مورد علاقه تان را برقرار کرده است. میگویند عمر ایلخانی و نیروهای درگیر در آنجا را خلع سلاح کرده و با خود به شهر برده است؟! مگر شما اطلاع ندارید عبدالله حسن زاده و ابراهیم عزیزاده از طرف حزب دمکرات و «کومله»، با الهام از اتحادیه میهنی، وارد کارزار کدخدا منشی شده اند و توافقات را هم اعلام کردند؟ شما پس از این ماجراها، با الهام از کدام سیاست اینکار را می کنید و تازه سخن درست رفیق رحمان حسین زاده را رد می کنید؟! با این پیام کدخدانمشانه میخواهید چه پیامی به خانواده جانبختگان و کارگر و مردم زحمتکش کردستان و ایران بدهید؟ آیا عملکرد ۲۳ سال اخیر سازمان زحمتکش شما را متوجه نکرد که، این نیروی مسلح، بلحاظ سیاسی هیچ ضبط و ربطی به منافع کارگر و مردم زحمتکش کردستان ندارد؟ آیا متوجه نیستید که این نیرو تا حال بخاطر اعمال و کردارشان بارها سرزنش شده ولی دخالت میانجیگر و سرزنش کننده از نظر آنها پیشیزی ارزش نداشته است؟

با توجه به همه اینها، شما با علم به کدام سیاست و نگرش خود را ته صف کدخدانمشان ها قرار میدهید و خود را به نیروی ذخیره آنها تبدیل میکنید؟ یک واقعیت میتواند منشا این سیاست شما باشد و آن اینکه این باند را کومله بدانید. کاری که رفیق مهرنوش با امضای طومار خواستار آتش بس تعدادی از فعالین ناسیونالیست کرده است. اگر چنین تصویری دارید که دیگر حرفی برای گفتن نمی ماند. این دیگر عذر بدتر از گناه است که یک باند را بجای کومه له فرض کرد، با یک چرخش قلم بعنوان جریان سیاسی برسمیت شناخت و کمی ژست سیاستمدار و سازمان ملل گرفت. این هرچه باشد به کمونیسم ربطی ندارد.

۲۵ ژوئن ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست کمک مالی

کنید!

جریان‌ات سیاه و فالانژ "ریش سفید و صلح

طلب "بر نمی تابند ...

اینها با آشنائی کامل به فنون هجوگویی و کتمان واقعیات عینی، این جریان‌ات تبهکار را در کنار مبارزات مردم ایران و در مقابل جمهوری اسلامی جا میزنند. همین کافی است که نه موضع ما بلکه ریش سفیدی و دعوت به "آرامش" این دو جریان سیاه چقدر ارتجاعی و راست است، روشن شود!

دست آخر، خیلی زود و زودتر از اعلام موضع مهرنوش موسوی و مشتاقان آتش بس، زیر برق اسلحه اتحادیه میهنی آتش بس اجرا شده و خوش و خرم بساط دیالوگ در بین این "احزاب سیاسی" با پادرمیانی حزب دمکرات کردستان، هجری و کومه له علیزاده باری دیگر در جریان است. پیشنهادات خیرخواهانه و صلح طلبانه امروز این "خیرخواهان" به مذاکرات "متمدنانه" آنان چیست؟ آیا هنوز هم خواست ترک صفوف این دو جریان فالانژ را پاسیو میداند؟

ما معتقدیم بهتر است که شخصاً خود رهبران جنگ طلب را بمیدان جنگ نشانند! برآستی اگر رهبران فرصت طلبی مثل مهددی و ایلخانی زده، خودشان روبروی یکدیگر قرار می‌گرفتند، همین درگیری نظامی ارتجاعی، اصولاً آغاز می‌شد؟ ما این وسط، همانند جنگ نیابتی در اوکراین، خواهان کشته شدن فرزندان طبقه کارگر نیستیم. ما خواهان پایان جنگ و افشای آمران آن هستیم. این همان خواسته ای است که حزب ما در لابلای نوشته های خود نشان داده است. این جنگ ارتجاعی است، صفوف این مرتجعین را ترک کنید و وارد یک جنگ فرصت طلبانه، ارتجاعی و سیاه نشوید.

من در نوشته دیگری به دلیل وجودی این سازمانهای سیاه مافیائی در زمان پهباد و جنگهای سایبری در مقرهای بغل گوش جمهوری اسلامی خواهم پرداخت. اما آن کسی که زیر تابلوی چپ، ریش سفید و صالح جریان‌ات سیاه ارتجاعی شده است و با مرخص کردن جنبشهای اجتماعی تنها بدنبال انتقامجویی از کمونیسم کارگری و نماینده متحزب آن حزب حکمتیست است، شما کنید! و بهتر است یک بار هم که شده کتابی بخوانید، با مراجعه به کتابخانه محل حداقل تاریخ بیست ساله این جریان‌ات راست را مطالعه کنید!

انقلابیون محافظه‌کار اصطلاحی است که امروز می‌توان به جریانها و افراد سیاسی در حول مبارزات میدانی و مبارزه بی‌امان طبقاتی در جامعه ایران داد. آنان نه در مبارزه طبقاتی که از پنجره کوچک خانه شان، مجوز "ریش سفیدی"، "همه با همی" و فرهنگ "مذاکره" برای مبارزه سیاسی واقعی و جدال جریان‌ات و جنبشهای واقعی صادر میکنند. تاریخ انقلابیون محافظه‌کار به جمهوری وایمار برمیگردد که دست آخر قدرت را به رایش سوم و ناسیونال سوسیالیستها واگذار کردند. وجه مشترک این جریان‌ات این است که ایدئولوژی های آنها به طور قطعی ضد آزادیخواهی، ضد برابری طلبی و از همه مهم تر ضد سوسیالیستی ولی در لوای "آرامش و تمدن طلبی" است. محافظه کاران دست راستی که تابلوی رادیکالیسم انقلابی چپ را بالا می‌برند ولی اساساً به مفهوم سنتی محافظه کارند و خود و پوزیسیون شان را تنها در یک حزب سیاسی نمی‌بینند، همه با همی اند و با هیچ کسی اند! طرفدار دیالوگ متمدنانه حتی با مافیای مهددی، سازندگان ساواک و برقراری دوباره شاهنشاهی اند. امروز، نمایندگان این جنبش محافظه کار، ولی با لباس "خیرخواهی" و چپ و بدتر از آن بنام کمونیسم کارگری و خط منصور حکمت، خود را حول "مذاکره و ریش سفیدی" و راه حل "متمدنانه" و

خود را پس از مستقر شدن نیروهای اقلیم کردستان در مقرهای این نیروهای سیاه اعلام کرده بود، در مطلب دیگری (در پوزیسیون اولترا رادیکال) از موضع گیری حزب ما و بخصوص رحمان حسین زاده ایراد گرفت که گوئی ما بعنوان یک حزب رهبری نمی‌کنیم و "افشاگری" ابدن کافی نیست و راه بجائی نمی‌برد و هرچند با پوزیسیون چپ، در کنار راست قرار گرفته ایم ولی از قرار معلوم ایشان با ریش سفیدی در کنار جریان‌ات معلوم الحالی مثل جریان ابراهیم علیزاده و هجری و اتحادیه میهنی، رهبری کننده و راه نشان دهنده بوده اند و ابداً در کنار جریان‌ات مافیائی قرار ندارند!

سخت تر اینکه، ایشان با تز: درگیر شدن دو نیروی سیاه و ارتجاعی که هر زمان برای کسب ثروت و پول دست به ترور و آدم کشی زده اند و خواهند زد و هر زمان ممکن است، از قرارگاههای خود به شهرها در کردستان سرازیر شده و خون به جنبش جوانان انقلابی کردستان و زنان و در مجموع انقلابیون بریزند و فاجع بیافرینند، میلیمتری ارتباط با مبارزات انقلابی سرنگونی طلبانه مردم در ایران دارند؟ از این فراتر ایشان با راهنمای چپ زدن و دست و دل بازی فراوان، دو جریان ارتجاعی، سیاه و باند تبهکار را در مبارزات جنبش مردم ایران جا میزنند و نبودشان و یا تضعیف شان را خواسته یا ناخواسته بنفع جمهوری اسلامی اعلام میکند؟ اما این ادعاهائی راست، منحنط و بی پایه بیش نیستند که اول باید ثابت می‌شدند و بعد با روی باز و بیبانیه بی‌خاصیتی جامه ریش سفیدی و وساطت بین دو جریان سیاه را به تن میکرد و علیه موضع ما نثرنگاری میکرد.

روشن نیست که دو نیروی ارتجاعی، که برغم ادعای خود ایشان وجود اینان و یا تضعیف آنان کمترین ربطی به مبارزات قهرمانانه و انقلابی مردم کردستان در دو دهه گذشته نداشته، چرا باید سانتیمتری خیزش انقلابی در ایران را تضعیف کند و دست آخر دود درگیری و اسلحه کشیدن این دو جریان بسوی هم به چشم جنبش انقلابی در ایران برود؟ فراتر از این، از کجا معلوم که این درگیری نظامی، توسط رهبران تروریست خود این جریان با سفارش دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی بپا نشده است؟

در ادامه چه کسی بشما در پشت پنجره مخفی شده در آپارتمان تان، این اجازه را داده است که بنام کمونیسم کارگری و رادیکالیسم این دو جریان سیاه را جزوی از پوزیسیون جمهوری اسلامی بدانید؟ اینها بخشی از راه حل در آینده آزاد جامعه ایران نه تنها نیستند، بلکه در کنار جمهوری اسلامی و انواع "جک و جانوران" آدمکش دیگر، خود صورت مسئله امروز و فردای محتمل آزاد ایرانند!

سؤال مهم تر اینکه در بطن مبارزه نه ماه انقلابی این دوره، نبود این جریان‌ات بنفع مبارزات مردم و طبقه کارگر است یا به ضرر آنان؟ تکلیف مهرنوش موسوی و چپهایی که همه جا سر و کله شان سبز می‌شود تا در مخالفت با حزب حکمتیست، بیبانیه فکنی کنند، روشن است!

قتل عمد در اردوگاه "زحمتکشان"

پس لرزه های شکست پروژه های راست

سیاوش دانشور

حمله مسلحانه با نقشه قبلی به مخالفین در اردوگاه سازمان زحمتکشان که به قتل دو جوان منجر شد، نباید در روزمرگی بفراموشی سپرده شود. دست بردن به اسلحه علیه مخالفین توسط این باند مسبوق به سابقه است. تفاوت اینبار با موارد قبلی اینست که رویداد اخیر در متن یک دوره انقلابی و بن بست و شکست پروژه های اپوزیسیون راست ایران صورت میگیرد. هفته گذشته در پاسخ به سوال رفیق محمود احمدی در تلویزیون یک دنیای بهتر در باره این رویداد دلخراش از جمله اشاره شد که این واقعه از پس لرزه های یک شکست وسیع تر میان اردوی راست و اپوزیسیون بورژوازی ایران است. شکستی که ائتلاف ها و نمایندهای مضحک آلترناتیوسازی را به عناصر اولیه اش تجزیه کرد.

حباب جرج تاون خیلی زود ترکید و هر کسی که ۲۴ ساعت قبل آن حرف دیگری میزد اکاونت هایش را بست و جایی قایم شد. میان راستهای باصطلاح مونتلف، فاشیستهای سلطنت طلب میداندار شدند و سیاست را به اوباشیگری رسمی و علنی تقلیل دادند. کمی آنطرف تر شورای مدیریت گذار و خط مرکز بهم ریخت و توافقات قبلی بی اعتبار اعلام شد. در اردوی ناسیونالیسم کرد و مرکز همکاری نیز همین اتفاق افتاد. حزب دمکرات سمت مجاهدین رفت و علیه سیاست مهدی گارد گرفت و خود زحمتکشانی ها نیز وحدت جدیدشان را با شلیک گوله و ارتکاب جنایت بی اعتبار اعلام کردند. این نقش متفرقه کننده را رضا پهلوی ایفا کرد تا با فالانژیسم و راه انداختن نیروهای شبه گردان آروف و رفتارهای فوق العاده زشت و غیر سیاسی، شعار "امروز فقط اتحاد" را به "امروز فقط تفرقه" در اردوی راست تبدیل کند. رویداد دلخراش در اردوگاه زحمتکشان تنها یک ماحصل این روند میان جریانات ناسیونالیست و قوم پرست کرد است. میان راستها و بویژه سلطنت طلبان هوادار پهلوی حمله فیزیکی و تهدید و رفتارهای لمپنیستی یکی دو مورد نبوده است. اینها اگر مسلح بودند و اردوگاهی داشتند بدون تردید شبیه مهدی - ایلخانی عمل میکردند.

زحمتکشان سازمان سیاسی نیست، یک فرقه مهجور فالانژ دست ساز اتحادیه میهنی است که هر کاری از آن برمی آید. اینها امروز یک سوپر مینی واگنر و سوپر مینی بلاک واترز و از جنس ارتش های دست ساز و مزدوراند که تلاش میکنند با ترور و تحجر ظرفیت های باند سیاهی خود را برای مشتریان بنمایش بگذارند. کسانی که وقت خودش میتوانند علیه انقلابیون تجهیز شوند و درب هر شورا و سازمان توده ای را تخته کنند، فعالین کمونیست و رهبران کارگری را ترور کنند. دستجاتی که روز روشن طرح ترور می ریزند و با مخالفین شان با زبان گلوله سخن میگویند. ژست های دمکراتیک حضرات در مقابل دوربین ها را نباید جدی گرفت. هیچ جریان سیاسی جدی و باپرنسیپ آنها را با آنچه در باره خود میگویند نمی سنجند و بررسی نمی کند بلکه با پراتیک واقعی و عملکردشان قابل ارزیابی اند. وظیفه نیروهای رادیکال و در راس آن کمونیست ها اینست که این دستجات را منزوی

و ایزوله کنند. هر نوع مماشات با آنها و برسمیت شناسی شان بمثابه یک جریان سیاسی، مشروعیت دادن به این باند مافیایی و آدمکش است.

جنایت مشمول زمان نمیشود!

و بالاخره جنایتی جدید در اردوگاه این سازمان رخ داده که با دخالت نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی جمع آنها موقتا در همان روز درگیری خلع سلاح شدند. اگر این اتفاق نمی افتاد ممکن

بود تلفات انسانی و ابعاد توحش و ترور را به یک فاجعه تمام عیار تبدیل کنند. مذاکرات و توافقات هرچه باشد و به هر قهر و آشتی خانوادگی ختم شود، زندگی دو جوان از دست رفته است. دو نفر از اعضای آنها به قتل رسیدند و این اقدام با دستور رهبری و فرماندهی و سازماندهی افراد معینی صورت گرفته است که باید پاسخگوی آن باشند. برگ سیاه دیگری بر پرونده تاریک و کارنامه آقایان مهدی - ایلخانی افزوده شد. روشن است در کردستان عراق و حکومت اقلیم کسی دنبال این پرونده ها نمیرود. اما برای اپوزیسیون بورژوازی، فدرالیست های متفرقه، دمکرات های ضد کمونیست و کسانی که خود را به روند انقلابی آویزان می کنند، در قبال همکاری و همنشینی با افراد و دستجاتی که مرتکب جنایت شدند چه پاسخی دارند؟ کسانی که جنایتکاران را بمثابه سازمان سیاسی برسمیت میشناسند بدوا خود را بعنوان جریان سیاسی زیر سوال می برند. توضیح این واقعه با "برادرکشی" و "اختلافات درون خلق" و استدلالهایی از این دست نه فقط مفروضات مشترکی با این باند دارد بلکه به تکرار چنین رویدادهای هولناکی میدان میدهد.

۲۶ جون ۲۰۲۳

جریانات سیاه و فالانژ "ریش سفید و صلح طلب" بر نمی تابند ...

"منزه" در مقابل چپ رادیکال اخمو و یک دنده مثل حزب حکمتیست قرار میدهند. در این میان گوئی درس مبارزه و تاکتیک را هم خوانده اند و برای "صلح طلبی" و "بازگشت آرامش" تا تشنج بعدی در جریانات سیاهی مثل عمر ایلخانی زاده و مهدی بیانیه امضاء میکنند و قرص مسکن تجویز میکنند.

بله ما با بنیاد وجودی این جریانات سیاه و ارتجاعی و ضد مردمی و ضد انقلابی مشکل داریم! ما با ادامه حیات انگل وار و گانگستری این جریانات مشکل داریم و تنها فراخوان ما به سوی جوانان بی گناه این گروه هاست و آن هم این است: بلافاصله این جریانات ارتجاعی را ترک کنید! یک زندگی دیگر و بقول مارکس یک مبارزه شرافتمندانه طبقاتی دیگر ممکن است. اینکه چه سرنوشتی را رهبران آنان دنبال میکند، امروز برای من ابدأ مهم نیست! ولی بطور حتم در فردای یک جامعه آزاد همه این تبهکاران باید در دادگاههای مردمی به اعمالشان و تاریخ سیاه شان رسیدگی شود.

۲۵ ژوئن ۲۰۲۳



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:



پیروزی انقلاب ایران و کسب آزادی و رهائی از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری، در گرو اتحاد و

تشدید مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و همه آنهائی است که قهرمانانه در کوچه و خیابان و در محل کار و زندگی با جانفشانی ها و مقاومت های بی نظیر خود حماسه می آفرینند، نه دخیل بستن به قدرت های خارجی که برای تامین منافع شان از قربانی کردن میلیون ها انسان نیز ابائی ندارند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۳۱ خرداد ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:

در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی

جمهوری اسلامی تهاجم همه جانبه‌ای را به جنبش دانشجویی سازمان داده است. در روز چهارشنبه ۲۴ خرداد، بخشی از دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به حجاب اجباری در پردیس باغ ملی این دانشگاه تحصن کردند. اعتراض دانشجویان با واکنش حراست و دستگاه سرکوب رژیم کشتار مواجه شد. سرکوبگران دانشجویان را مجروح کردند. سرویس‌های بهداشتی را بسته و از رسیدن مواد غذایی و آشامیدنی به دانشجویان جلوگیری کرده و تعدادی را دستگیر کردند. مقاومت دانشجویان هنر در مقابل رژیم و سیاست‌هایش با همبستگی بسیاری از تشکل‌های دانشجویی همراه شده است. همچنین نهادهای مترقی و پیشرو جامعه از مقاومت دانشجویان برای انتخاب پوشش و مقابله با رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی حمایت نموده‌اند.

رژیم برای مقابله با جنبش انقلابی و پیامدهای آن، تهاجم همه‌جانبه‌ای را به جنبش‌های اجتماعی و فعالین و پیشروان آن سازمان داده و هزاران معترض را به زندان انداخته است. دانشجویان را دستگیر، تعلق و یا اخراج می‌کند. به کردستان با پهباد، توپ و تانک حمله می‌کند. مردم مقاوم بلوچستان را به گلوله می‌بندد. زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان جنبش را در بی دادگاه‌ها شکنجه و اعدام می‌کند. از برگزاری مراسم یادمان خانواده‌های جان باختگان جلوگیری نموده و دستگیرشان می‌کند. فعالین جنبش‌های کارگری، معلمان، زنان، آزادی‌خواهان، دانشجویان و آناهایی را که علیه سامانه‌های ستم و سلطه مبارزه می‌کنند،

حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی را قویا

محکوم می کنیم!

اخبار منتشره در رسانه ها حاکی از آن است که روز ۲۰ ژوئن، یک روز پس از لغو اجازه همایش سالانه مجاهدین خلق در فرانسه، کمپ این سازمان در آلبانی نیز که در آن صدها نفر از اعضا و هواداران این سازمان مستقر هستند، مورد یورش نیروهای پلیس آلبانی قرار گرفته است و در این حمله یک نفر کشته و تعدادی زخمی گزارش شده است.

یورش جنایتکارانه پلیس به کمپ مجاهدین در آلبانی در شرایطی است که شاهد تحولات جدیدی در روابط کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا با ایران هستیم. استرداد اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی، مذاکرات پشت پرده برای استرداد حمید نوری که در دادگاه سوئد به جرم مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی به بیست سال زندان محکوم شده است، آزادسازی قسمتی از پول های بلوکه شده رژیم و... نشان دهنده تغییر سیاست کشورهای غربی در قبال جمهوری اسلامی است و بدون تردید حمله به پایگاه مجاهدین در آلبانی و لغو همایش سالانه آنها در پاریس که می تواند به ایجاد محدودیت و فشار به سایر فعالین ایرانی در خارج کشور نیز تعمیم داده شود، از جمله توافقات پشت پرده دول غربی با رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران است که خیزش عظیم زن، زندگی، آزادی، پایه هایش را بلرزه در آورده و با خطر قیام توده های زحمتکش مردم و سرنگونی مواجه است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که با سیاست های سازمان مجاهدین مرزبندی روشنی دارد، لغو همایش سالانه این سازمان در پاریس و یورش پلیس به محل استقرار آنها در آلبانی را قویا محکوم می کند و آنرا تعرض به حق آزادی و مبارزه بر علیه رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی می داند.

در عین حال لازم می دانیم برای چندمین بار به اپوزیسیون بورژوازی رژیم، از جمله مجاهدین خلق که شرکت دادن نئوکانه‌های جنایتکاری نظیر جان بولتون ها را در همایش های خود به رخ کشیده و به پشتیبانی و همکاری آنها افتخار می کردند و تمام افراد و دسته جاتی که برای بقدرت رسیدن و یا ایجاد تغییرات مورد نظر خود در ایران به کرامات دول امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه امید بسته اند، هشدار دهیم که نشست و برخاست و معامله و امید بستن به قدرت های خارجی، جز شکست و وجه المصلحه قرار گرفتن و قربانی شدن در معاملات پشت پرده و رسوائی و بی اعتباری در میان توده های مردم ثمره دیگری در برداشته و نخواهد داشت.

رهائی اکثریت مردم ایران، یعنی توده های کار و زحمت از ستم و استثمار و زور و سرکوب اقلیتی صاحب قدرت و ثروت که با تلفیق دین و دولت بر اریکه قدرت سوار است، تنها بدست توانای طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم سراسر ایران امکان پذیر است.

در دفاع از دانشجویان دانشگاه هنر و در ستایش همبستگی ...

را به زندان می‌اندازد و یا اینکه با پرونده سازی و احکام سنگین و اخراج، شرایط زندگی خود و خانواده‌هایشان را به مخاطره می‌اندازند.

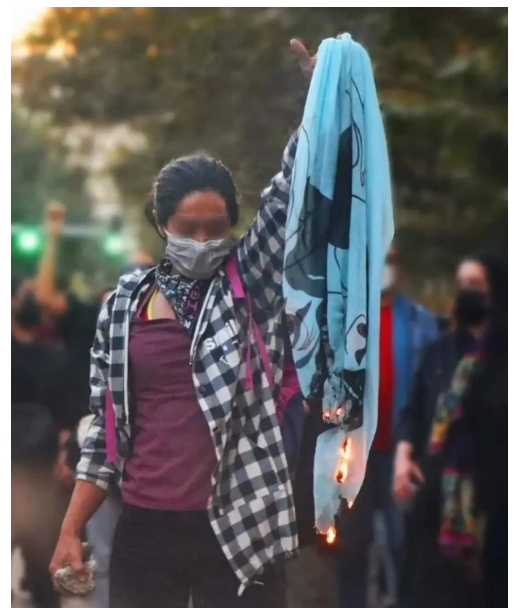
جمهوری اسلامی از برآمد و گسترش جنبش انقلابی به شدت ترسیده و با "چرخش بزدلانه" در سیاست خارجی و سرکوب گسترده در جامعه می‌خواهد از گسترش آن جلوگیری کند. راه مقابله با رژیم سرکوب و کشتار، مقاومت و همبستگی جنبش‌های اجتماعی و حضور توده‌های مردم و جنبش طبقاتی کارگران در خیابان، محل کار و زندگی است. ضمن ستایش از مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر، با همبستگی و همگرایی از پائین رژیم کشتار را به عقب رانده و فرآیند سرنگونی انقلابی رژیم را گسترش دهیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

19.06.2023/29.03.1402



علیه اعدام با ما باشید!

استکھلم - مین توریت

شنبه اول ژوئن ۲۰۲۳ ساعت ۱۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

www.hekmatist.org

تشکیلات استکھلم

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمی‌پذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افق‌ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی‌طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی‌طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



**آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در
کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه
و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر این شماره: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیست

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر
میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده
باشند.

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!